



پژوهشگاه جنبش معلمان

بخش اسناد

مجموعه شماره‌های نشریه صدای معلم
نشریه کانون مستقل معلمان چهارمحال و بختیاری

فروردین ۱۴۰۴

نشریه صدای معلم

شماره سوم و چهارم

(اردیبهشت ۱۳۵۹)

(نشریه کانون مستقل معلمان چهار محال و بختیاری)

تاریخ انتشار:

اردیبهشت ۱۳۵۹



پژوهشگر
جنبش معلمان

	<u>فهرست</u>
۱	سرمقاله
۲	صفحات ویژه برنامه رزم معلم
۱۸	نظرات و پیشنهادات ... دانش آموزان
۲۳	فرخی یزدی
۲۷	نگاهی به آموزش و پرورش در روستا
۳۱	گزارشی از یک معلم
۳۲	بخشنامه ...
۳۵	اخراج و تبعید معلمان ...
۳۶	از قیام مطبوعات
۳۷	اخبار
۴۰	پیامهای کانون

از دانش آموزان و همکاران عزیز درخواست میشود، انتقادات و پیشنهادات خود را همه روزه عصرها از ساعت ۵ تا ۷ حضور
در محل کانون مطرح نمایند بابت آدرس پستی کانون ارسال
دارند.

آدرس کانون

شهرکرد، چهارراه بازار، طبقه سوم پاساژ

آدرس پستی: شهرکرد - صندوق پستی ۱۱۷

سرمقاله

توطئه های امپریالیسم را در هم شکنیم

مذهب است امپریالیسم امپریالیسمها ارتجاعی مذاقه تمام تبلیغات خود را در این جهت می داند که مردم را بی ساری و سرخوردگی بکشاند تا بگرد مقابل جریانهای سیاسی واکتیر از خودشان ندانند و به اینداری آنها بتوانند به راحتی حاکمیت مجدد خود را بر مردم میهنشان اعمال نمایند و آب رفته را به جوی بازگردانند .

امپریالیسم آمریکا ، از ناراضیتهای که در مردم بعثت آورده شدن خواسته ها ، اعتقاد به ان وجود آمده بهره گیری کرده با در اختیار گرفتن رادیو بی بی سی و بیغداد و دیگر رادیوهای که در مذاقه در اختیار آوردسته بختیار و دیگر ملت است البان است سعی دارد با تبلیغات وسیع ، زمینه ها را بکود تاراد را بران فراهم آورد . غافل از آنکه مردم ما بگرفتارند رسیدن آگاه هستند که نگذارند دشمنانشان برانان خیره گردند . امپریالیستهای بیستند که انقلاب در حال گستر است و توده ها میلیون میروند اساس تمام بهره کسی را در هم بریزند ، بهمین جهت برای نجات منافع خود وادامه دادن به سلاطین و مومنان و بقیه مکرکارت می زنند .

امپریالیستهای رابند ابعاد از تمام خونین بهمن ماه تارشر کردند از آریه دوستان و جاسوسان د اخلیان جلو

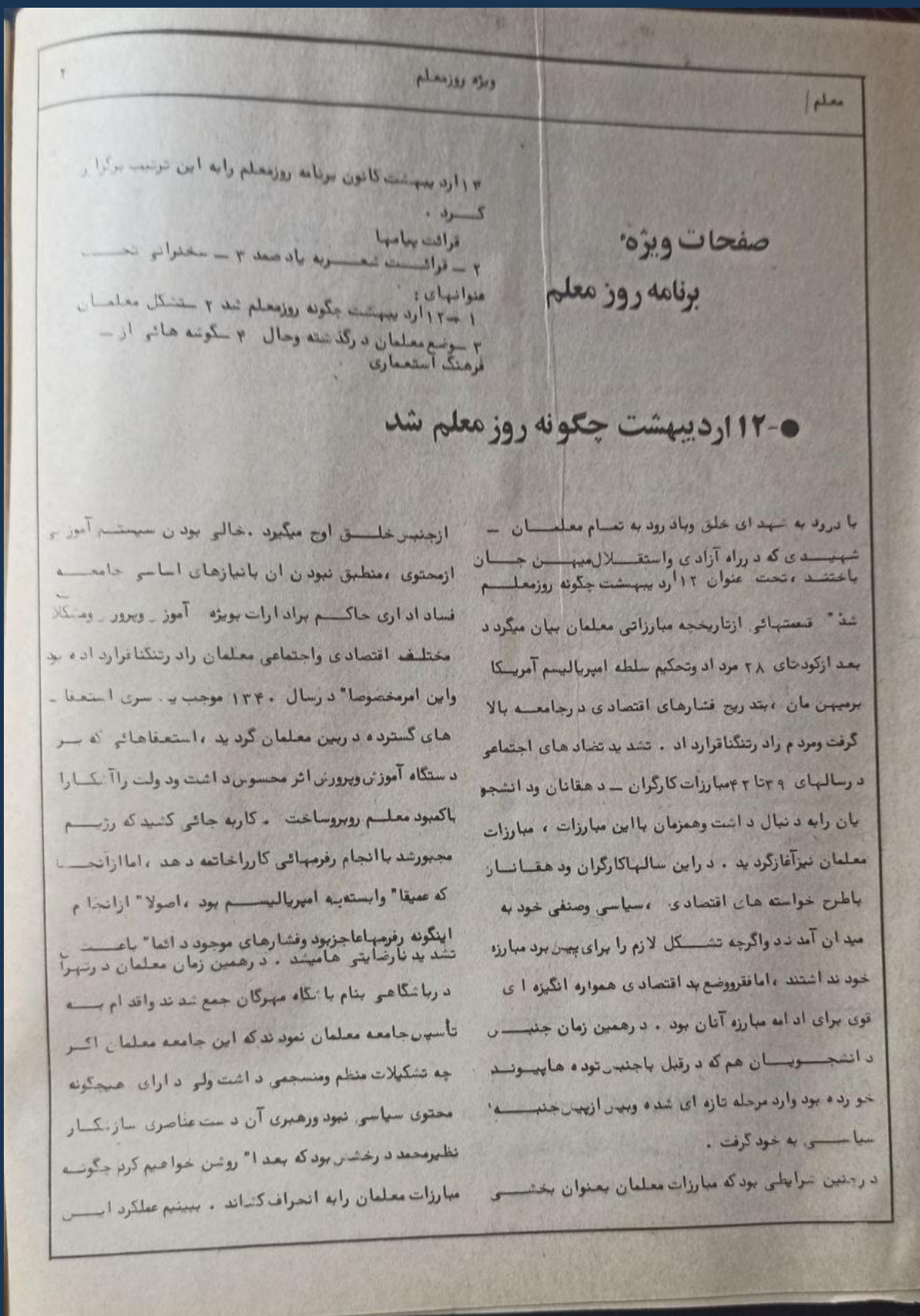
انقلاب را سد کنند . نهاد ها را مردمی را که در جریان مبارزه توده ها بوجود آمده بود تضعیف کنند و آن نهاد های را که مردم را تضعیف کرده بودند تقویت نمایند .

اما از آنجا که بعثت مقاومت سرسختانه زخمیشان ایران اینگونه توانسته هایان یکی یکی تدریجاً برآورد و کون رسوائیشان در همه حازده بند اکسون تاکتیکهای خود را عو نمودند ، تمام امکانات خود را در این جهت قرار داده اند که از بیرون جلوگیری انقلاب توفنده توده ها را بگیرند و منافع غارتگرانه خود را در مذاقه حفظ نمایند .

دان آموزان و معلمان مسئول و متعهد :

در این مرحله حیاتی که میهنان در معرض فشار همه جانبه اقتصادی - سیاسی و نظامی امپریالیسم قرار دارند نیروی است با تارار پیگیر و خستگی ناپذیر خود توله ها را امپریالیسم آمریکا و رژیمهای ارتجاعی مذاقه را افشا کنیم . نقشه ها و عوامفریبیها را آنرا برای توده ها ، رخمند بخصوص - زخمندان روستائی تونید دیم و آنرا نسبت به یاو گوئیها را دیوهای مزدور بفراد و بی بی سی و نظایر آنها آگاه نمائیم تا موجبات رسوائی و شکست هر چه بیشتر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا را فراهم آوریم .

افشای توطئه های امپریالیسم مبرم ترین
وظیفه سازمانهای دمکراتیک است



پژوهشگر
جنبش معلمان

۳	ویژه روز معلم	کانون مستقل معلمان چهارمحال و بختیاری
مبارزه ای را که میرفت ایجاد توده ای به خود گیرد به چهار د یوارن مجلس محدود نماید ، ثانیا " با انکا " به رهبری سازشکار جامعه معلمان سعی نمود خواسته های معلمان را صرفاً " خواسته های صنفی قلمداد نموده ، آنها را در - همین حد نگه دارد . در این رابطه درختس ، رهبر - سازشکار جامعه معلمان وارد میدان شده در نطقی که در باشگاه مهرگان ایراد نمود ، گفت : " اعتصاب مافوق جنبه صنفی دارد و کسانی که به خواهند به آن جنبه " سیاسی بدهند معلم نیستند و اخلالگرند . شعار ما سکوت است و کسانی که شعار میدهند ازمانیستند " . از طرف دیگر در رابطه با همان جنگ زرگری در مجلس که گفتیم ، این جامعه معلمان هیأتی را انتخاب نموده با همان قطعنامه عمده آن به مجلس فرستاد . این هیأت به حالت سکوت در آنجا نشستند و بعد از چندین بظا هر قطعنامه آنها موجب استیضاح دولت و سقوط آن شد و امینی مهره سرسپرده د یگرا میرالایسم نخست وزیر گردید . با رون کار آمدن امینی ، دامنه اعتصابات معلمین باز هم وسعت گرفت و گروههای مختلف مردم با اعلام پشتیبانی به آنها پیوستند . در این موقع و در چنین شرایطی معلمین اعتصابی ۱۲ اردیبهشت ، روز شهادت دکتر خاندعلی راه عنوان " روز معلم " اعلام نمودند . بعد از اعلام روز معلم ، امینی به باشگاه مهرگان (مجلس جامعه معلمان) رفته ، و برای معلمان سخنرانی کرد . وی در سخنرانی خود قول داد که مقام معلم محترم شمرده شود ، قاتل دکتر خاندعلی تعقیب گردد و یک سری وعده و وعید های دیگر ، در خند که نفوذ خاصی روی جامعه معلمان داشت از این جریان استفاده کرده	جامعه معلمان د آرزوهای چه بود : از طرف جامعه معلمان با آن خصوصیتی که ذکر کردیم ، هیأتی به دربار رفته ، قطعنامه ای را در مع ماده مطرح نمود که اولین و مهمترین خواسته مطرح شده در آن عود شدن کابینه و کنار رفتن دولت بود و بقیه مواد آن بیشتر جنبه رفاهی و صنفی داشت بد بهی است این اقدام نمیتوانست به نتیجه برسد . لذا با توجه به شرایط خاص جامعه و اوج گیری جنبشهای کارگری ، دهقانی و دانشجویی ، در ۱۲ اردیبهشت اعتصاب عمومی و یکپارچه معلمان شروع شد . معلمان کلاسها را تعطیل کرده در میدان بهارستان جمع شدند و گروه کثیری از دانشجویان و دانش آموزان و سایر مردم به آنها پیوستند و اجتماعی چند هزار نفری تشکیل دادند . رژیم به خاطر ترس از گسترش این جریان و به میدان کشیده شدن سایر توده های ناراضی به این میتینگ حمله برد . کود جریان این حمله د کتر خاندعلی د ببرد بیرستانهای تهران که در حال سخنرانی بود و مورد تشویق جمعیت قرار گرفته بود به شهادت رسید . شهادت دکتر خاندعلی موجی از احساس خشم و نفرت و مبارزه جوئی نسبت به رژیم برانگیخت . روز بعد در مراسم تسبیح جنازه دکتر خاندعلی مردم گروه گروه شرکت کرده ، تظاهرات وسیعی انجام شد . و البته اعتصاب یکپارچه معلمان هم پس از این مراسم ادامه یافت و به ادارات و کارخانه ها و جاهای دیگر کشیده شد . با وخیم شدن اوضاع رژیم شاه به نتوافتاد و برای پایان دادن به این جریان روشهای مختلفی به کار بست . اول در مجلس به اصلاح شورای ملی ، جنگ زرگری راه انداخته با پیروان انداختن چند نماینده ای که ظاهراً از دولت انتقاد میکردند سعی کرد افکار عمومی را منحرف نموده و -	

ویژه روز معلم	معلم
مشرق و مشول بصورت گسترده ای در مبارزات ضد امپریالیستی همراه سایر جمعیتگان شرکت دارند و به سهم خود این مبارزه را تا پیروزی نهائی به پیش خواهند برد .	در رشت میکروفون اعزام نمود که : " ما باید اعتصاب مان را بشکنیم چون به همه خواسته هایمان رسیده ایم . به خواسته اول مان که سقوط کابینه بود رسیدیم ، خواسته های دیگرمان را هم که نخست وزیر قول داد برآورده کند پس دیگر موردی برای ادامه اعتصاب نمی ماند . "
● لزوم تشکل معلمان شب که می آید و میکوبید پسند را بخودم می گویم من همین فردا به رفیقانم که همه از عربانی میگیرند خواهم گفت " گریه کار ابراست " . من و تو با انگشتی چون شمشیر من و تو با حرفی چون باروت به عربانی پایان بخشیم و بگوئیم به دنیا به فریاد بلند عاقبت دیدید ماصاحب خورشید شدیم و در این هنگام است ، و در این هنگام است که همان پوشه تو خواهم بود که از سرمهر به خورشید د هی . و منم شاد از این پیروزی به حمیده روسری خواهم داد تا که از یاد حدایی نهراسد . و نگوید چه هوای سردی است ، حیف شد مویم را کوتاه کردم شب که میاید و میکوبید پشت در را	سرانجام علیرغم مخالفتها شد بدعهه ان از معلمان در انحرافات و سازشکاری رهبری جامعه معلمان ، اعتصاب پایان یافت و همان طور که شایع بود ، پندی بعد درخت و وزیر فرهنگ گردید . اگرچه این مبارزات که میرفت ابعاد گسترده و همه جانبه ای بخود گیرد ، به انحراف کشیده شد ، اما به عرصه صورت نقطه عطفی در تاریخ مبارزات معلمان بشمار میرود . بعد از آن هم مبارزات معلمان قطع نشد و در کمال مختلف ادامه یافت و به مراحل تازه ای رسید و همانطور که میدانیم بعد از این مبارزات در رابطه تنگاتنگی با سایر نیروهای انقلابی قرار گرفت و بالاخره در سال ۵۷ که جنبه سیاسی و همگانی بخود گرفت . در این سال شریف امامی دوباره تاکتیکهای سال ۴۲ را بکار برد و با دادن یک سری امتیازات ظاهری و وعده وعید ها و نیز راه انداختن جنگ زرگری در مجلس اعتصاب معلمان را بشکند اما این بار کور خوانده بود این بار جنبه عمیقاً تنیده ای شده بود و ملیونتها در آموزش و صد ها هزار معلم راه خیابانها گساده بود . با پیروزی قیام ، مبارزات معلمان وارد مرحله جدیدی ، یعنی مرحله مبارزه با امپریالیستی گردید . امروز معلمان
با وحدت و تشکل هر چه بیشتر مانع نفوذ امپریالیستها شویم	

کانون مستقل معلمان چهار محال و بختیاری	ویژه روز معلم
خودم می گویم ، همین فردا اگر می خواهم کرد ، کاری کارستان سخنم را با سلام و درود به همه " معلمان مبارز" که با تکی خود پشت شاه جلاد و لرزاندند و در این راه شهدای بسیار دادند آغاز می کنم : سخن من شامل دو قسمت است . اول در باره تشکل و لزوم تشکل معلمان و در قسمت دوم اینکه اصولاً " معلمان در چه سازمان و تشکیلاتی می توانند تشکل یابند . در مورد لزوم تشکل همین بس که بدانیم تکامل انسان از زمانی آغاز شد که کار دسته جمعی را آغاز کرد . انسان - بوسیله کار دسته جمعی توانست بر مشکلات طبیعت فائق آید و طبیعت سرکش و خشن را رام خوید نماید از آن روز پیروزی انسان و تولید شروع شد و انسان سخن گفتن را که یکی از دستاوردهای زندگی دسته جمعی است آموخت . اصولاً " هر مبارزه ای وقتی به پیروزی خواهد رسید که دارای سازمان و تشکیلات منظمی باشد . در آن سازمان و همکاران عزیز و کلیه دوستان حاضر اطلاع دارند که در مبارزات اخیر میهنمان مبارزات معلمان بخصوص معلمان چهار محال و بختیاری همگام با آن سازمان و سایر اقشار مردم از زمانی آغاز شد که کانون معلمان بایک تشکیلات معلمی بوجود آمد . تا آن زمان هیچکس نمیتوانست بهیچ کاری بکند یا تصمیمی بگیرد یا دست به عمل بزند ، بنابراین مبارزه معلمان با تشکل کانون معلمان شکل گرفت . که البته در آغاز با طرح خواسته های صنفی از قبیل اضافه حقوق - حق التدریس - حق مسکن و غیره ، و بدنبال آن با طرح سیاسی از قبیل خارج شدن ایران از پیمان سنتو مبارزه پرداخت	۵ همکاران و سایر افراد که در جریان روزهای قیام با آمدن تشکل معلمان بودند می دیدند که هم زمان با این - خواسته های سیاسی و آغاز بخشهای سیاسی در کانون همه در سینه ها و کار شکنیهایی بوجود نیامد از یک طرف ارگانهای حاکم از قبیل : استانداری - رئیس آموزش و پرورش - شهرداری و غیره از طرف دیگر عاقبت جویانی که هم اکنون بیشتر پستهای حساس را در اختیار گرفته اند سعی در ایجاد تفرقه و شکاف در بین مردم و بخصوص معلمان داشتند . معلمان مبارز کانون را تهدید به قتل و قطع حقوق میکردند و سایر معلمان را نیز از قطع حقوق و اخراج میترساندند . که البته تهدیدات آنها تأثیر هم نبود و باعث پیدایش شایعات زیادی در بین آنان شده بود ولی در مقابل کانون معلمان در یگانه حالت یک شکل صنفی درآمده و به کانون صنفی سیاسی تبدیل شده بود و توانست در مقابل همه دشمنان سینه ها ایستادگی کند . بدین نمونه یک بار با توافقی که بین اداره آموزش و پرورش و اقلیت کوچکی از معلمان که متأسفانه گروهی از اعضای کانون نیز در بین آنان دیده میشدند بنا شد که اعتصاب یکسره و معلمان به سرکار بازگردند . کانون با اطلاع از این موضوع دعوت عامی از تمام معلمان بعمل آورد که در آن حدود ۱۰۰۰ نفر از معلمین متعلقه در سالن هنرستان صنعتی اجتماع کردند . در ابتدا این کار جلسه همان افراد سازشکار که با تائید شده بودند با از قطع حقوق و اخراج ترسیده بودند . پیشنهاد یک رأی گیری مخفی را برای ادامه یا قانع اعتصاب ارائه دادند مسلم بود که در آن شرایط خاص با وجود شایعات و تهدیدات که شده بود امکان داشت اعتصاب یکسره بود اگر چه شکستن اعتصاب معلمان در کل حتمی نمیتوانست تأثیر مهم

۶

روز معلم

معلم

کانون را در چهارچوب خواسته های صنفی محدود نکنند
دست به توطئه و ایجاد تفرقه و دود شکی زد . تا بالاخره
دروزی که بنامیده مدبرکل بوسیله رأی مستقیم معلمان
انتخاب شود و آن جلسه در باره انتخابی بودن مدبران
مدارس و همچنین نحوه شوراها و اداری شدن مدارس -
گفتگو می شد . دیدیم که عوامل وابسته به استانداری صنفی
دراهم پاشیدن کانون را داشتند با توجه به حرکات مشابهی
که در شهرهای دیگر و محمود بیکرانهای صنفی سیاسی
و شوراهای انجام گرفته به این نتیجه می رسید که اینها بیانگر
حرکات آگاهانه ای است که بعضی از مسئولان برای
به انحرا ف کشیدن مبارزات و جلوگیری از حرکات دموکراتیک
و ضد امپریالیستی توده ها انجام می دهند . در اثر کار
شکنیه و نفاق افکنیه های عده ای وابسته و اصولاً شکل
ناهمگون کانون می رفت که شکل مایه هم خورده و از هم
بپاشد . ولی علیرغم تلاشهای مذبحخانه استانداری و هم
دستان کانون نه تنها از هم نیاشد بلکه جدی تر و مصمم تر
بحرکت خود ادامه داد ، چون معلمان متعهد و -
مسئول پس از بیرون رفتن عناصر معلوم الحال از کانون
مجددانه به شکل دمی و تحکیم آن پرداختند . منتها
از نظر شکل و محتوای کانون نظریات مختلفی ابراز میشد
گروهی معتقد بودند که کانون فقط بایستی تشکیلاتی صنفی
باشد و فقط به خواسته های اوقیل مسکن - بهداشت
و امور رفاهی معلمان بپردازد ولی در مقابل کسانی بودند
که میگفتند یک کانون صرفاً صنفی هیچگاه نخواهد توانست
بخواسته های معلمان جامعه عمل ببخشد چون تنها با
تلفیق مبارزات صنفی و سیاسی است که می توان بخواسته های
صنفی نیز رسید . دلیل دسته دوم جامعه معلمانی بود

گردد . داشته باشد ولی این اعضا را داشت که همه جا
گفته بود معلمان چهارمحال و بختیاری با سایر معلمان
همکاری نکردند . آنها اعتصاب را گشتن و به کار رفتند .
بنابراین یکی کانون بسختی با این پیشنهاد مخالفت
کرد و گفت معلمی که در خیابان محدود و یاد از آموزان
دیگر مبارزه ای تا امارات میکند و شعار "مرگ بر شاه" میدهد
آیا از دادن یک رأی استکراهت دارد اما با قطع اعتصاب -
میترسد - در نتیجه باران گیری علمی که بعمل آمد اکثریت
قاطع را به ادامه اعتصاب دادند و توطئه سازشکاران در
هم شکست خورد .

کانون با کنار گذاشتن شعارها و هدفهای صنفی در
روزهای حال قیام یکپارچه به کارها و مبارزات سیاسی
پرداخت و مبارزات خود را در کنار توده های زحمتکش
خلعت تاسقوط رژیم سرسپرده به امپریالیسم آمریکا
ادامه داد .

بدینال پیروزی قیام جلسات کانون با جمعیت بیشتری و
سوی دگر برپا میشد و در آن بیشتر خواسته های صنفی
معلمان از قبیل انتخابی بودن مدبرکل آموز و پرور
و همچنین مدبران مدارس مطرح میگردد و تا زمانیکه اولین
استانداری دولت موقت به شهر کرد آمد . استانداری بد که
اصولاً در من آخری ناپذیر با هر گونه شکل خصوصی اگر با
خواسته های سیاسی همراه بوده داشت و کانون معلمان
را چون خاری در چشم خود میدیده و بخوبی دریافته بود
که چنانچه خود مردم سرنویس آن را بوسیله شوراهای کانون
هادی دست گیرند او به اهدا فخر خود نخواهد رسید

بنابراین از همان روزهای نخست بهاری ایادی خود فروخته
که امروز بیشتر ارگانها را در اختیار گرفته اند و همان کسانی
مستند که در جریان روزها قیام میکوشیدند که

۷ ویژه روز معلم	کانون مستقل معلمان چهار محال و بختیاری
عده ای معتقد بودند که کانون ومانی میتواند به کار خود ادامه دهد که دارای یک ایدئولوژی خاص باشد و از یک خط فکری مشخص پیروی کند . ولی در مقابل عده دیگری معتقد بودند که چون در بین معلمان خلوص فکری و ایدئولوژی مختلفی وجود دارد . و از طرف دیگر برای مبارزه با تضاد اصلی امروز جامعه مابین امپریالیسم وحدت همه نیروهای ضد امپریالیسم ضروری است بنابراین مبارزه با امپریالیسم میتواند محور باشد که خاسته کانون برحول آن برآید . و با کانون ضد امپریالیسم در مکرانیت میتواند بدون پیروی از نظریاتی خاص به فعالیت خود ادامه دهد و سرمایه مبارزه او همان مبارزه با امپریالیسم و ارتجاع باشد . در اینجا به علت کمبود وقت و در پی بودن برنامه های دیگری سخنانم پایان میدهیم	که حدود بیست سال پیش تشکیل شد که صرفاً ارگانی صنفی بود . این جامعه بکدام خواسته های صنفی رسید . آیا توانست مسئله مسکن را حل کند ؟ توانست گامی در جهت بهبود اشت معیشت - فرهنگ بردارد ؟ مطمئناً نه ، چون همانطور که اشاره کردیم حل مسائل و مشکلات صنفی تنها در گرو حل مسائل اساسی و بنیادی است . البته معلمان آن زمان و طرفداران کانون صنفی کوششهایی نیز در زمینه کردند که هیچکدام به نتیجه نرسید . از این رو وجود یک تشکیلات و سازمان صنفی ، سیاسی بیشتر جمعگیر شد و پایه های کانون مستقل معلمان نهاده شد و هم زمان با آنان مخالفتها و کارشکنیهای جناحهایی از حاکمیت که باعث برهم زدن کانون قبلی شد نیز شروع شد شروع کار کانون و تشکل عده زیادی از معلمان در آن در همان روزهای اول بحثهای زیاد درون آن درگیر شد

تحقق خواسته های معلمان

در گرو تشکل آنان است

معلم
ویژه روز معلم

● بیاد معلم کبیر، شهید صمد بهرنگی

خلق رحمتگر
بود فتوحید آفت
نامو دگر
نامو بزرگ
بیقرارو، نام صمد
ان کو، احتقار
کا دلیریت را
درین خلق ما
به تساوی تقسیم میکردند
آنگاه توبیدیدی که خلق ما
خیالی دلیراست

صمد

ان فرزند خلق
کا ذره ای ازخونت
در رگهای من جاری بود
آنگاه من قطره ای از دریای
بر کران توبودم
بامو پر خور خلق
رومون ماخل آزادی
رومون هر رهائی میرفتم



صمد ای موج سرافراز
ای انسان بزرگ
که در نام خلق خلاصه شدی
که عظمت نامت
در هیچ کلمه ای نمی گنجد
صمد

خلق کبیر زحمتگر
نام تو راه قلب
با خون نوشته است
تا انقلاب سرخ
باز آفرین نام تو باشد
با کد امین کلمات برایت بسرایم





از میوه دانش آموز دبیرستان نوربخش

درود به همه شهدای بخون خفته خلق

وضع معلمان در گذشته و حال

عملکرد امپریالیسم در کشورهای تحت سلطه تنها به غارت منابع طبیعی و صدور سرمایه به آنها محدود نمی‌شود بلکه امپریالیسم علاوه بر نفوذ اقتصادی که در این کشور دارد بر تمامی نهاد های سیاسی، نظامی، فرهنگی و... آنها جنگ می‌اندازد و آنها را در جهت منافع خود سوق می‌دهد. منافع غارتگران امپریالیسم هنگامی به حد مطلوب تأمین می‌شود که توده های زحمتکشان این جوامع به حقوق سیاسی و اجتماعی خود آگاهی نداشته باشند چه طبیعی است اگر مردم تحت ستم به حقوق خود آگاهی یابند، با تمام وجود برای کسب آن می‌کوشند و با جنگ و دندان از آن پاسداری میکنند و دیگر به هیچ گونه سلطه گری و استعمارتن نخواهند داد.

پس امپریالیسم به منظور تحکیم سلطه خود و تحت نفوذ آوردن نهاد های اجتماعی آنان، ابتدا عوامل آگاه جنبه راکه کلاً در محیط فرهنگ این جوامع است کنترل میکند و هر آنچه را که رشد فکری و آگاهی سیاسی توده ها را ارتقا بخشد سرکوب می‌نماید تا بتواند فرهنگ منحل استعماری خود را جایگزین فرهنگ خلقی و پویای آنها نماید و بدین ترتیب نفوذ و مبارزه قهرآمیز آنان با خیال راحت به غارت و جپاول منابع اساسی و حیاتی آنها بپردازد.

همینا و برای برکنار ماندن از قهرتوفنده توده ها به آنچنان دیکتاتوری و دستگاه کارگزاری، نیاز دارد که امنیت لازم را برای تأمین نماید تا بتواند به سرکوب همه جانبه توده ها دست زند و هرگونه فریاد آزاد یخواهی و استقلال را در رنلقه خفه کند.

با توجه به همین نیازها و منافع سرشار بود که امپریالیسم در کشور ما رژیم منقریبهلوی را تجهیز کرد، ارگانهای اجرائی را در مسیر منافع خود دگرگون کرد و چنان برنامه هائی طرح و اجرا نمود که مردم ما را در چهار جوبی خرافاتی و ایستاد و رنآگاهی همیگر نگه دارد. بویژه دستگاه آموزشی ما را در جهت تربیت افرادی مطیع و سربریز جهت اداره صنایع مونته‌ناژ

ارتش و پلیس ضد خلقی خود برنامه ریزی نمود. بدیهی است در زمانی که تمام فراستخوان وابسته بود و اختناق و سرکوب گسترده ای حکمفرما بود نمیتوانست معلم آگاه و انقلابی پرورش یابد و آزادانه به فعالیت بپردازد. معلمان بعنوان فاسد نسبتاً "آگاه جامعه که با دادن آموزش بعنوان نیروهای پرشور و بالفعل انقلابی تمان نزد یه - داشتند، میبایست خنثی شوند و از ایفاء رسالت واقعی خود در آگاهی دادن به جامعه باز احته شوند. معلمان هم میبایست صرفاً بعنوان ابزار در جهت پیبرد اهداف امپریالیستهای کار گرفته شوند و در این رابطه تمامی امکانات رژیم بکار میافتد تا از معلمان ابزار جهت فراگیری فرهنگ امپریالیستی و انتقال آن به توده دان آموزش سازند.

اما معلمان از آنجاکه خود از میان اقشار زحمتکشان جامعه برخاسته اند، نمیتوانستند حامل چنین فرهنگی باشند و غیرم فشارهای اقتصادی - اجتماعی که به آنها وارد میشد و حسی خفقان، سانسور و تقید عقیده ای که بطور وحشتناکی در تمام سلوچ آموزشی حکمفرما بود، باور مستقیم و غیر مستقیم با امپریالیسم و مامع آن به مخالفت برخاستند و با تمام وجود در مقابل اناعه فرهنگ امپریالیستی جبهه گرفتند. این معلمان متعهد و آگاه در اوج ترور و اختناق رژیم به آگاه کردن توده ها پرداختند و حقوق سیاسی و اجتماعی آنها را برایشان تشریح کردند. و نه تنها خود را از زنجیر اسارت فرهنگ امپریالیستی رها ساختند، که فریاد رنگر خفته خلقهای تحت ستم را به گوشه‌ها رساندند. مبارزه این معلمان بویژه در

۱۲ اردیبهشت ۱۳۴۰ به اوج خود رسید و بالاخره با مبارزات دیکتر زحمتکشان میهنمان پیوند خورد و بیمان مقدس آنها را دامه مبارزه و حصول به آزادی و استقلال بسته شد اینها "معلم" بمعنای واقعی کلمه بودند که وجودشان سرشار از عشق به خلق و آزادی و استقلال میهن بود این معلمان با پیوستن به صفوف انقلابیون با مقاومت حماسی



ود هم معلم شهید دیگر همواره سرمستی برای تمام نیروهای مبارز و مترقی بوده است. و دیدیم که همزمان با اوج گیری مبارزات توده ها، معلمان با چه شوری و با چه گستردگی در آن شرکت نمودند و نشان دادند آرمانهای انبساط از ارمان بزرگ خلق نیست.

آری، معلمان هم در کنار سایر رزمندگان فعالان به مبارزه پرداختند و مخصوصاً همراه دانش آموزان مدارس رابه کانونهای مبارزه تبدیل کردند، اخبار روزنامه ها را در روزها حکایت از تعطیلی مدارس و رستخس به خیابان، زد و

در گنج گاههای شاه یا بانثار خون خود، در پی بزرگ مبارزه واعلا نه به تعداد اندکی محصل سرکلان که به همه خلق تحت ستم دادند، آنها با فداکاریهای بیدریغ خود رسالت واقعی یک "معلم" را در زندگی ایفا نمودند آنها نشان دادند که بیسواد یک مسئله روینائی است که ناشی از وابستگی به امپریالیسم است و مبارزه بر علیه بیسواد نمیتواند جدا از مبارزه بر علیه زیربنای متحد جامعه وابسته ایران باشد زندگی، مبارزه و شهادت با کوه امتثال صمد بهرنگی بهروز هقانی، فاطمه امینی، مریمیه احمدی اسکویی

دست به تحصن میزنند. بد نیال این عمل مطابق معمول تخریب شروع میشود و در اینجا بدست به تحصن حمل و ورمینوند و بعداً هم عدالت آموز بازداشت میگردد. در همین بند، همان از استعداد ۳۶ نفوزار تحصیل دانستل به بهانه اینکه احتیاج نداریم خود داری میشود که این عمل در حکم اخراج آنهاست زیرا آنها از ابتدای استخدام آموز و ورمینوند، تازه بهانه از این بی اساس تر نمیشود که در حالیکه در بسیاری از شهرها در آن آموزان تعلیم کمبود معلم دست به تحصن میزنند به این ۳۶ نفر بگویند به معلم احتیاج نداریم.

در تربیت جدید به : ۵ نفر از بدوین اقدام به انتقاد و دست افرازان در مورد سوءاستفاده های مالی علی حاشیه قوجانی رئیس ناحیه آموز و ورمینوند میکنند، با اینکه بازرسانی که در این رابطه اعزام میشوند این موضوع را تأیید میکنند و شخص مزبور برکنار میشود اما این بدوین نیز به این بهانه که وجود آنان ایجاد عمل و عمل میکنند، تبعید میشوند.

در کرمانشاه : معلم مبارز همزمره جری بیانی بدوین هیچ گونه دلیلی و بدوین به محاکمه علنی متقاضی به بهانه های موهوم در برابر تریخه اعدام قرار میگیرد و به شهادت میرسد.

در مازندران : معلم مبارز و نداد ایمانی علی سوء قصد ناجوانمردانه ای توسط اوبانان ترور میشود. قاتلین او هرگز شناسائی و محاکمه نمیشوند. حتی مسئول تلریزی مازندران بخاطر مصاحبه با همسر و نداد ایمانی از کار برکنار میشود.

در خرم آباد : یکی از بدوین جلودر سه مورد اصاب گلول قرار میگیرد، هنوز قاتلین او شناسائی نشده اند.

در شهرضا : مهدی زارع پور، یکی از بدوین مورد ضرب و جرح قرار میگیرد و بازداشت میشود. جرم زارع پور این است که در انتخابات کاندیدای یکی از سازمانهای سیاسی بوده است. در گنبد : حدود ۲۰ نفر از بدوین بعنوان شرکت در درگیریها اخراج یا به شهرهای اصفهان، یزد، کاشان، ... تبعید میشوند.

خورد و درگیری با پلیس دارد. قطعنامه بود که پشت سر هم صادر میشد و خواسته های هر روز از بکالتی رامین میساخت قطع روابط با آمریکا، خارج شدن ایران از پیمان سنتو، لغو سازمان و حکومت نظامی و بالاخره انحلال نظام شاهنشاهی خواسته های بود که خون معلم و دانش آموز هر دو به زمین ریخته شد، به هم آمیخت و پیوند آنها استوارتر گردید.

فردای قیام همه در فکر ایفای رسالت اجتماعی خویشند. دلهاسرشار از امید و عشق است، امروز باید فردا را در فضای دیگر بنهاده و در فضای آزادی صمیمیت و همیاری. معلمان می اندیشند که چگونه سلسله فرهنگی امپریالیسم را از زمین ببرند و فرهنگ پویا و مردم را بارور سازند. و در آن آموزان با سوری صداندان در این فکر که فردا از یوغ غارتگران، رعا از استعمار و استثمار و رعا از زور و استبداد، در کتارهای سرسبز زمین چنین برداشت محصول برپا خواهند کرد و در کارخانه ها و کارگاهها فردای سعادت و آسای را برای خود و جامعه به ارمغان خواهند آورد.

انقلاب باید به شمرسد و فقر، جهل، فساد، فحشا و بیعدالتی را از زمین ببرد. دست امپریالیسم باید از مین کوتاه شود، خلقهای ایران باید از زور و ستم آزاد شوند. اینست خواسته ها و آرمانهای معلمان و توده های میلیونی دانش آموز.

در عرض مدت کوتاهی چنان روشهایی اعمال میشود که به وحدت نیروها آسیبهای جبران ناپذیر وارد میآورد.

معلمان که تاد بیروز و بدوین و توده های میلیونی در یک صف بر علیه امپریالیسم و مظاهر آن دیکتاتوری و اختناق مبارزه میکردند، آماج انواع و اقسام تهمت ها و حملات قرار میگیرند. حملاتی که تا به امروز ادامه دارد و متأسفانه هر روز امنه بیشتری میابد.

در زیر به چند نمونه آن اشاره میکنم :

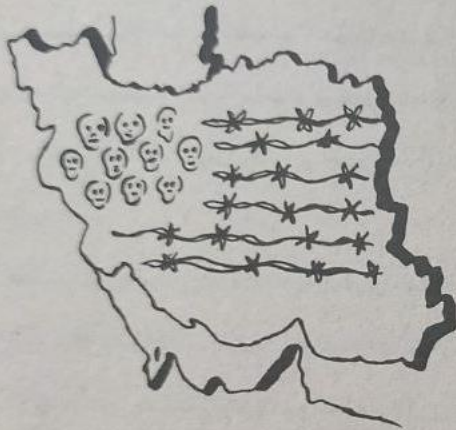
در بند رعا ۱۱ نفر از بدوین بدوین دلیل اخراج میشوند این عمل مورد اعتراض اکثریت دانش آموزان و معلمان قرار میگیرد. آموز و ورمینوند تحلیل میشود و دانش آموزان -

معلم	ویژه روز معلم
۱۲ خلاصه جوی پدید آمده که در آن تنها معلمان از حملات در امانند که از فعالیتهای سیاسی و اجتماعی برکنار باشند و مانند ماشینی هر روز به درسه رفته و مطالب خامد و مرده همان کتابها و درسی سابق را تکرار کنند . اما بهر حال معلمان بنابه رسالت سنگینی که به عهده دارند علی‌رغم این حملات و ضربات و فشارهای سنگینی که به آنها وارد میشود ، همچون گذشته مبارزه برحق خود علیه امپریالیسم و فرهنگ استعماری ادامه میدهند . آنها معتقدند که انجام دادن دگرگونی بنیادی ، فرهنگی جز از طریق بسیج کلیه معلمان و دانش آموزان در جهت تأمین منافع خلق محروم میسر نیست سیستم آموز و پرور باید در جهت قلع و ابستگهای فرهنگی دگرگون شود و بصورت نهادی درآید که در آن علم و دانش چون نیروی مادی برای تحوّل اساسی جامعه و طبیعت بنفای نوده ، بای زحمتگر بکار افتد . معلمان معتقدند و می‌گویند تازمانی که امپریالیسم به انحاء کوناگون در میهن ما حضور دارد تا زمانی که خلقهای تحت ستم ایران امواج انواع و اقسام حذرت و دسیسه های پنهان و آشکار امپریالیسم را اند ، هرگونه دامنشی عناد با آنها و د نیروهای مترقی ، جز در جهت تأمین منافع امپریالیسم و تقویت پایگاههای داخلی آن نمیدانند . مختصری از این مقاله بصورت سخنرانی در مراسم روز معلم بیان شد .	در گذاران ، تهران ، اراک ، اهواز ، نمونه ها فراوان است و هر روز شاهد نغمه های جدیدی می باشیم . مگر این معلمان چه میکنند ؟ که این چنین آماج حملات قرار میگیرند ؟ مگر آنها حرفی دارند ؟ ضرورت مبارزه بهیچ وجه با امپریالیسم چه کرده اند ؟ آنها خواستار تسبیح توده های میلیونی دانش آموز و معلم در یک مبارزه ضد امپریالیستی هستند . آنها خواستار تغییر بنیادی نظام آموزشی ، خواستار اصلاح کتابهای درسی با شرکت خود معلمان و در جهت نیازهای کشورند آنها خواستار تصفیه آموز و پرور از عناصر وابسته به رژیم و ساواکیها هستند و تمام این خواسته های خود را در جریان مبارزه نشان داده اند . مگر لغو سانسور ، انحلال اداره حفاظت و . . . در قطع نامه های آنها مطرح نمیشود ؟ مگر آنها نبودند که کرمان پرورده ها ، محرمانه را از زمین بردند تا دیگر اختناق نیابد ؟ چه شد که امروز اخراج ، تبعید و زندانی میشوند ؟ و در این راه مسئولین حق از انحلال چندین دبستان و دبیرستان نیز باغی شدند ؟ دانش آموزان را در مقابل آنها قرار میدهند . مردم را در برابر آنان قرار میدهند و حتی در انقضایان میخوانند . در صورتیکه این ضد انقلاب است که با نفوذ خود در بسیاری از ارگانهای داری مسیر مبارزه ضد امپریالیستی را منحرف کند و آنرا متوجه نیروهای آناه و مترقی نماید .

مبارزات دمکراتیک معلمان جزئی جدائی ناپذیر

از مبارزات ضد امپریالیستی خلق است

گوشه‌هایی از فرهنگ استعماری



در جوامع سرمایه داری، در جریان رشد و تکامل تاریخی در اثر رقابت سرمایه های بزرگ سرمایه های کوچک را بلعیده و آنها را از زمین میبرند، و در این گذار رقابت فائل خود میشود و انحصار از بین آن بوجود میآید. و سرمایه داری جهان به عالمی ترین و آخرین شکل خود یعنی امپریالیزم وارد میشود ولی از آنجائیکه امپریالیزم سرمایه داری در حال اختصار است و رپروسه تکامل خود زجر خود را بوجود آورده است. بران جلوگیری از نابودی خود به دوا ریز عمل میکند در درجه اول به وسایل سرکوب از قبیل ارتش، ژاندارمری، پلیس و یگرنهادهای سرکوب و در درجه دوم میگوید تا با جانشین کردن فرهنگ استعماری بجای فرهنگ انقلابی مردمی جامعه را از سیر تکامل و پیوایی خود بازدارد و به جامعه ای مصرفی، خمود و خاموش بدل نماید، که موضوع مورد بحث در مورد گوشه‌هایی از فرهنگ استعماری میباشد. فرهنگ در معنی تمام خود عبارت است از مجموعه ارزشهای مادی و معنوی که بوسیله پند و تلقین تاریخی آفریده شده است.

همانطوریکه در تاریخ شاهد سیه‌های مختلف تولید

کنندگان بوده ایم، فرهنگهای گوناگون

هم داشته ایم که منطبق بر سیه تولید آن جامعه

بوده است. در گذشته رژیم ایران به رژیم سرمایه دار

انحصاری وابسته بود و فرهنگی را که داشتیم منطبق بر

سیاست همان رژیم بود یعنی فرهنگی را که مردم میخواستند

نابود باد فرهنگ وابسته امپریالیستی

معلم	ویژه روز معلم	۱۴
مالفا کرده بود ند که غارتگری آن نظام راتوجیه کنند و بتوده ها نشان دهد که غارتگری نظامی که روزگار است بهترین نظام است و روی سیاستهای بیاولگترانه و غارتگرانه امپریالیستهارا بیوشاند ، که اکنون به ونه هائی از فرهنگ امپریالیستی راکه روینای جامعه سرمایه داری انحصار واپسته در ایران بود اشاره میکنیم . اگرنگاهی به صفحه روزنامه بیندازیم و برنامه فیلمهای سینمایی رامبینیم ، ویا نگاهی به برنامه سال سینمای شهر خود مان بیفکنیم میبینیم که اکثریت فیلمهای سینمایی همان فیلمها مبتذلی است که در زمان شاه آنها را بروی پرد سینما میآوردند .	که روستائیان مآذهای شاد و سرحالی هستند . در جریان انقلاب زحمتکشان ما از آنجائیکه میدیدند محتوای این فیلمها مقابله با بکینه و نفرت سعی در ویران کردن آنها نمودند ، ولی بعد از قیام متأسفانه شاهد بوده و هستیم که باز هم همان فیلمهای پرد سینما ها خود نمائی میکند و بسیاری از این فیلمها را در همین سینما که در شهر کرد است نیز نشان میدهند و همه شاهد آن هستیم . البته میگویند که ما این فیلمها را اصلاح کرده ایم یعنی صحنه های سکسی فیلم را سانسور کرده ایم ؟ ؟	
ایشونه فیلمها را سرمایه داران ساخته اند که از طریق این فیلمها توده هار را تملیق کنند . فیلمی تهیه کرده اند که در آن کینه ای که در دل زحمتکشان مان نسبت به سرمایه داران ایجاد میشود از بین برد . فیلمی که همیشه کارگر و کشاورز را سرمایه دار و زمینداز برتر آشتی دهد ، و سرانجام فیلمی که محتوای آن روی درد ورنش زحمتکشان ما را بیوشاند و آنان را انسانهایی خوشحال و خندان نشان دهد مثلاً " فیلمهای محمد و قالیچه حضرت سلیمان ، صمد بعد رسه میرود ، صمد در بد رمیشود و صمد . . . و انواع و اقسام از این دست فیلمها را میبینیم که چهره رنج کشیده و گونه های استخوانی همه روستائیان و اندامها ، رنجور و ضعیف زحمتکشان ما را در چهره ها و قالیچهائی مثل صمد و توح علی که آدمیان خپله ۱- وکنده میباشند فرو میکنند و میخواهند به توده ها بگویند	د صورتیکه این فیلمها از اساس خراب است ، محتوای این فیلمها که در زمان شاه نشان میدادند بدرد همان رژیم میخورد . زیرا غارتگری آن نظام فاسد راتوجیه میکند ، و همه زحمتکشان ما را خند بزمینداز این فیلمها باید و ورریخته شود و فیلمهایی نشان داده شود که بیانگر درد ورنش تمامی زحمتکشان باشد فیلمی که زندگی واقعی روستائیان ما را نشان دهد فیلمی که نیازها و خواسته های مردم را بیان کند . " راد یووتلو یزین " نیز از آنجائیکه در سطح خیلی وسیعی بازند که توده ها را ارتباط است ، دولت شاه با نشان دادن فیلمهای آمریکائی از تلویزیون و برنامه هائیکه متناسب با روشنی بی جامعه مصرفی میباشد ، توده ها را در جهت هیئت حاکمه سوق میداد ، و سرسپردگی رژیم راتوجیه میکرد . اکنون باید محتوای برنامه های رادیو	

کانون مستقل معلمان چهارمحال و بختیاری	ویژه روز معلم	۱۵
وتلویریون بیانگرزندگی واقعی توده ها باشد از برنامه ها شیکه بازندگی اکثریت جامعه یعنی زحمتکشان شهروروستا مقایسه است جلوگیری شود . در روزیم گذشته شاهد بودیم که چگونه موسیقی را به ابتدال کشیده بودند موسیقی ای که از درون توده ها در جریان کارشان جوشیده و بیرون آمده بود ازین بردند و موسیقی مبتذل را بتوده ها تحمیل و تلقین کردند چرا چون ترانه ها ، شعرها و سرود هاییکه از درون زندگی مردم گرفته شده بود از مبارزاتشان ، از حماسه هایشان و از زندگی واقعیات سخن میگفت یعنی آن چیز که مقایسه غارتگری سرمایه داران بود . اکنون میبینیم که در مرتبه جلوموسیقی ملی گرفته شده است و برای اینکه میخواهند باموسیقی مبتذل نیز مبارزه کنند در ود ستگاه آن نوار فرو کناره خیابان را برهم میزنند . ولی این راه مبارزه باموسیقی مبتذل نیست ، برای اینکه در زمان شاه میدیدیم و قتیکه میخواهند موسیقی مبتذل - خودشان را گستر دهند ابتدا جلوموسیقی ملی را گرفتند بدیسی است که مردم احتیاج به موسیقی دارند برای اینکه اگر در جریان کارشان دقت کنیم می بینیم که زحمتکشان ما هر کدام بسته به مذاقه شان زمزمه های متفاوتی میکنند و این موسیقی برای آنها نیاز است و باید تقویت شود اگر چنانچه از آن جلوگیری شود در مرتبه همان موسیقی های مبتذل رواج میابد .	راجع به نقاشی : بازندگی فرهنگ استعماری رامیبینیم نقاشی هاییکه بیانگرزندگی تجملی و مصرفی میباشد که - بسیاری از آنها را بد رود یواربعنوان تزئین میبینیم در صورتیکه "ریپین" هم نقاشی کشیده است نقاشی ای که بیانگر درد ورنج صیادان و لگامیباشد که زجرآنان را به هنگام کشیدن قایق در چهره هایشان و در دستان زحمتکشان نشان داده است و یا اینکه نقاشی دیگری را میبینیم که در درد ورنج آن زن و کودکی قالیاف را در رشت دارقالی نشان داده و یا کشاورزی رامیبینیم که پشت گاو آهن همراه گاوها جان میکند ، و این نقاشی باید تقویت شود ولی در گوشه و کنار میبینیم که جلونماینگاهاییکه بیانگر اینگونه نقاشی هاست گرفته میشود و به همین دلیل است که باز شاهد رواج همان نقاشی های مبتذل جامعه سرمایه داری هستیم و امامهمترین نهادی که در رایج بافرنهت استعماری مطرح میگردد "آموزش و پرورش" است . که امپریالیستها این سلاح ارزان را در اختیار میگیرند و با برنامه های مختلف جلو آگاهی زحمتکشان رامیگیرند . البته ای که حاکم است محتوی کتابهای درسی را بطریق تدوین میکند که مغزهای دانش آموزان که قشر وسیعی از جامعه هستند بطرف آن طبقه سوق پیدا میکند و به - همین ترتیب بود که در زمان شاه آمریکاییها کتابهای درسی راجه در مدرسه ، چه در دبیرستان و چه در دانشگاه در جهت سرمایه داران وابسته برنامه ریزی میکردند و به	

معلم	ویژه روز معلم	۱۶
د انر آموزان ود انشجویان میخواستند الفاء کنند .	میگذاریم .	
" که نظام موجود بهترین نظام است وفارنگری	مثل اینکه مسئله فقط وفقد بوسه کن شاه است ؟ !	
هیئت حاکمه راتوجه کنند وحالاباد رب این مسئله لازم	این راه مبارزه بافسادی که سرپای کتابهای درسی را	
است بگوئیم کتابهای درسی محتوایشان باید انقلابی	گرفته است نیست ، زیرا اگر چنانچه قرار باشد یک عده ای تمام	
باشد باید در جهت نیازهای اکثریت جامعه یعنی	کتابهای درسی راتدوین کنند ، این عده باتوجه به	
زحمتکشان باشد ، بنابراین باید بدست این اکثریت تدوین	پایگاه طبقاتی خود شان امکان ندارد که بتوانند نیازهای	
گردد تا بیانگر رد هاورنجهاونیازهای خود شان باشد	شده مردم را بیان نمایند .	
اما چگونه و چگونه ممکن است مسلما" این مسئله باید از طریق	مسلما" آنها در جهت خواست واندیشه خود شان تمام	
شوراهای واقعی معلمان انجام گردد . این شوراهای	کتابهاراتدوین میکنند .	
که اعضاء آن نماینده های مورد انتخاب خود معلمان می	بعنوان مثال : در کتاب تعلیمات اجتماعی تذکریت	
باشد ، باتوجه به شرایط مختص منطبق ونیازهای د انر	نمونه از تغییر و اصلاح کتاب میبرد ازیم !	
آموزان ، این کتابهاراتدوین مینمایند ، و این موضوعیست	" جمله سوسن بامادر به بازار رفت تغییر داده شده	
که معلم همیشه خواستار آن بوده اند ، زیرا مسلم است	است ونوشته اند علی باید ر به بازار رفت "	
که با این ترتیب محتوای کتابهای درسی بیانگر نیازها و	این مسئله بیانگر چه چیزی است ؟ این تغییر د منیت امان	
خواستهای توده هامیگردد . البته در این رابطه کسانی که	کری کتاب را نشان میدهد . که میخواهد حتی بازار رفتن	
منافعشان بامناف توده ها متفاوت است بدست وپیدا	زن را از او بگیرد ، زن را توی خانه بنشانند یاد ختری که	
افتادند ، وبعد از قیام تدوین کتابهای درسی رابطه	بخا از همکاران بامادر به بازار رفته است جلوگیری کند	
به عده ای خاص دادند که در سال گذشته شاهد بودیم	در صورتیکه د انر آموزما کتابی میخواهد که بازنگیر بیگانه	
بعد از هفت ماه د انر آموزان باز هم با همان کتابهای	نباید ، بعنوان مثال : کتاب پسرک لیو فرور " صمد	
درسی زمان شاه باتغییری بسیار جزئی روبرو شدند ، و	بهرنگری راد انر آموزان خصوصا" د انر آموزان روستا	
در میان خشم ونفرت د انر آموزان از راد یووتلو بیژن اعلام	مراور که شده پیدا میکنند ومیخوانند چرا ؟	
گردید ، که به حال لگمی وقت مانتوانستیم عکس شاه را ازاول	برای اینکه بازنگر کیشان مطابقت دارد این کتاب زندگ	
کتابها پاره کنیم ، وزحمت آنرا به عهده خود د انر آموزان	خواهر و برادر یو را نشان میدهد که برای پد ارباب قالو	

کانون مستقل معلمان چهار محال و بختیاری	ویژه روز معلم
۱۷ مبارزات همین دانش آموزان آنها را به پشت میزهای ریاست کشانیده بود. به اخلا لگروسر سپرد* و فریب خورد. مشهم میگردد بدند. و میگفتند که دانش آموزان را معلمان شان تحریر میکنند؟! معلمها ایشان به این خاطر که کلاس نبودند و از زیر کارد ربروند دانش آموزان را وارد ار به تعطیلی میکنند؟ شکی نیست که معلم و محصل همراه باتودهای زحمتکش در جریان قیام خونشان درهم آمیخته شد و اکنون در جبهتی میخواهند حرکت کنند، که خواست اکثریت جامعه است، یعنی محو کامل ریشه های فاسد و گندیده امپریالیزم از جمله محو کامل فرهنگ استعماراری. مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا در دفتین: ابزار قالی بافی	میباغند، ارباب ملازه بر اینکه دستنرخ آنها را میچاید، چشم نلوع به ناموس دختریدد امیکند و براد رازاین موضوع ناراحت میشود و باکینه هرچه تمامتر باد دفتین (۱) بسر مغرآن ارباب میگوید. خوب مسلم است که اینگونه کتابها راد دانش آموز میباید. چون میببند با زندگی خود ر مضایقت دارد. کینه اس را نسبت به دشمن شد بدتر میکند، و از این نظریا میل و رغبت این کتاب رامیبذ برد. دانش آموزان، این قشور وسیع ونسبتا "آگاه صاد قانسه در جریان قیام مبارزه کردند. و نقر ارزنده شان را ایفا نمودند که هیچکس نمیتواند، مبارزاتشان را انکار نما یسد مخصوصا" د ر شهر کرد که در صفاول مبارزه قرار داشتند بعد از قیام می دیدند که خواسته های انها چیزی که اکنون با آن روبرو هستند نبوده، امید دیدند که محتوای کتابهای درسی همان است که بوده: باز اینرو نمیتوانستند تحمل کنند که د و مرتبه همان کتابها را بخوانند، کتابهایی که توجیه کننده رژیم سرسپرد شاه بوده است. و از این نظر خشم و نفرت خود را نسبت به این کتابها نشان میداد و با بی میلی و بی رغبتی به کلاسها کشیده میشوند. اما هر گاه که آهنگ اعتراض سر میدادند، از طر هف کسانیکه سره

محوای کتابهای درسی باید در جهت محو فرهنگ استعماری باشد

نظرات، پیشنهادات، انتقادات و..... دانش آموزان

مقاله ای از يك دانش آموز

این یک نوع میوه است که مردم آنرا میخورند و باره برسیدم
 گدا مردم منکه تا حالا ندیدم کسی از اینها بخورد با هر حوصله
 جواب داد خوب شهریه ها یک هر کسی پول داشته باشد بخورد
 و میخوره چند رسوال میکنی دختر. ظاهر موقعی که بخانه برگشتم
 کتابم را نشان مادرم دادم. مخصوصا "عکس انار را نشان دادم
 و گفتم به باباگو وقتی شهرمی رود برای من انار بخرد. مادرم
 آهی کشید و جوابی نداد. روز بعد با چیزهای تازه تری آشنا
 شدم. چیزهایی که با آنچه می شناختم تفاوت داشت
 مدرسه ای که عکس آن در کتاب بود اصلا مثل مدرسه ما
 نبود. ساختمان قشنگی بود با میز و نیمکت های نو و قشنگ. با
 بچه های شاد و خوشحال که در میان برف ها بازی می کردند
 و چون کفر و کلاه و لباس زمستانی داشتند اصلا سردشان

من در روستا بد نیا آمدم. در یک خانواده فقیر بودم
 کارگری میکرد و مادرم قالیبافی. خودم با گل و خاتم
 بازی میکردم. موقعی که خسته میشدم پیش مادرم میرفتم
 او هم که معلوم بود از قالیبافی زیاد خسته شده و حوصله اش
 از تنهایی و بی همزمانی سررفته چند دقیقه دست از کار
 می کشید. مرا کنار خود روی تخت قالی می نشاند و در حالیکه
 گل های لباسم را با پای میگرد میگرد: اگر شده شباهم کار
 میکنم. پدرت هم همیشه او را ترابه مدرسه می فرستیم که مثل
 ما بد بخت نشی. من زیاد از حرف های او سرد رنمی آوردم.
 آخه جائیکه مازندگی میکردیم همه مثل خودمون بودند.
 ماهی سختی می کشیدیم. رنج می بردیم و چون آدم های
 پولداری نمی شناختم نمی دانستیم فقر و بیچارگی
 یعنی چه. اما از طرز صحبت مادرم خود بخود به مدرسه
 علاقمند شده بودم و دائم در فکر بودم

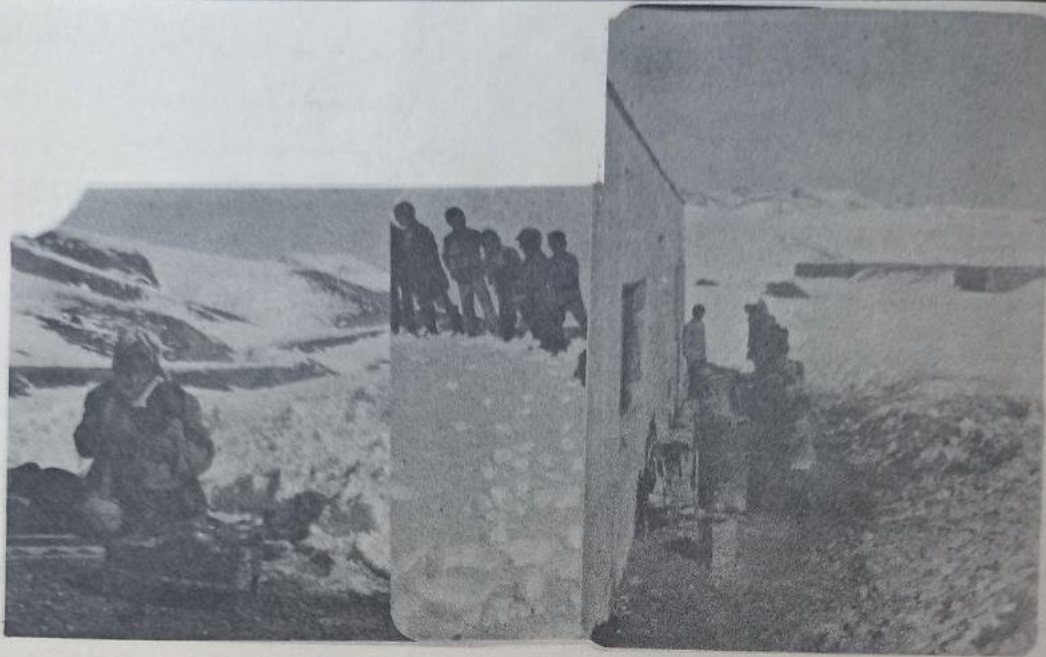
که کی بعد روزه خواهم رفت.

بالاخره شش ساله شدم و بعد روزه رفتم
 خوشحال کتابها را بوسیدم و مشغول
 ورق زدن آنها شدم در کتاب
 شکل های آشنایی بود. شکل نان و تنگی
 بادام و لوبو در آن شکل دیگر ندیدم
 که تا آنوقت ندیده بودم و نمیدانستم
 چیست از معلم پرسیدم گفت این انار

است. گفتم به چه دردی میخورد جواب داد



روز برفی



نمی شد . این بچه ها سرووضعشان اصلاً "باشباهتی" نداشت . مانه لباسهای آنها را داشتیم ، نه میتوانستیم بپوشیم . تو برفها برویم و سرما نخوریم و برف بازی کنیم ماهم برف بازی میکردیم ولی همیشه بعد از برف بازی سرما میخوردیم کتاب مونس همیشه ام شده بود . درسهایم را خیلی خوب میخواندم و تمام چیزهایی را که در کتاب میدیدم بازنگی خودمان مقایسه میکردم . چهره خندان و شاد ، لبهای قرمز زنی را که در کتاب بود با چهره درهم شکسته و زرد رنگ مادرم مقایسه میکردم تفاوت زیادی بین آنها بود و من علت آنرا ندانستم . خیلی دلم خواست ماهم مثل آن آدمهای توی کتاب باشیم ، مادرها مان - خانه کتابهای صمد بهرنگی ، علی اشرف درویشیان

مان - مدرسه مان ، ولی نمیدانستم چکار باید کرد . در کتاب پنجم که بودیم معلم جدیدی به کلاس ما آمد معلم که مثل خود ما بود مانند خود ما لباس میپوشید . مانند خود ما حرف میزد ، حرفهایی میزد که همه میفهمیدند . خیلی زود به او علاقمند شدیم او در باره زندگی ما میپرسید ، به خانه هایمان میآمد و از علل فقر و بیچارگیها میپرسید و میگفت علت اینکه پدرها ما را از صبح تا شب زحمت میکنند و همیشه فقیرند اینست که حق آنها را نمیخورند و حاصل کارشان را نمیچاپند . حرفهای او وقصه هایی که تعریف میکرد بدلمان می نشست . برای ما کتاب می آورد .

نامه‌ای از یک دانش

نامه‌ی یکی از دانش‌آموزان کلاس پنجم دبستان اشکفتک
پدرم کارگری است اما کارگری که فقط گاهگاهی کار
گیرد می‌آید. او این روزها خیلی ضعیف شده است. شبها که
به خانه می‌آید خسته و کوفته یک تکه نان می‌خورد و می‌خواهد
حوصله ندارد با ما حرف بزند. مخصوصاً هر وقت که بی‌کار
است. ما جمعاً هشت سراماله هستیم، و بیشتر مخارج ما
را پدرم با کارگری و مادرم با قالی بافی در می‌آورد.
چه کنیم تا از سختی نجات یابیم؟ من خیلی دلم می‌خواهد
ادامه تحصیل بدهم ولی قرار است که امسال را بیشتر بگذرانم
نیایم. پدرم می‌گوید دیگر نمیتوانم که ترابرد ربه بفروشم
تو باید در خانه قالی بافی کنی چون که مایهول زیاد نداریم
که تو بعد ربه بروی، و من باز می‌گویم، خیلی دلم می‌خواهد
بیشتر درس بخوانم. خواسته من کی برآورد خواهد شد



احمد رضاجنگی دانش‌آموز کلاس اول
راهنمائی وحدت زانیان که به قصد
کمک به جوشکار محلشان برای تهیه
بنزین به شهر آمده بود، قربانی
تصادف گردید.
احمد رضا چند روزی در بیمارستان
شهرکرد بود و سپس به

بیمارستان اصفهان منتقل شد. و بالاخره پس از ۴ روزی
شخت بیمارستان جان سپرد.
پدر احمد رضایک خرد، فروشنده‌ای است که در ده دکان
دارد و مادرش با قالی بافی به خرج حیواناته کمک می‌کند،
آنها با هم واندوه و رنج بی پایان می‌گفتند: تاکنون این
ششمن فرزندی است که از دست ما می‌رود. مادر گزشت
احمد رضا را به پدر و مادرش و دانش‌آموزان و معلمان
راهنمائی وحدت زانیان تسلیت می‌گوئیم.

و ما با علاقه زیادی آنها را می‌خواندیم. در این کتابها جواب
بیشتر سوالاتمان وجود داشت. هر چه بیشتر کتاب
می‌خواندم، بیشتر به حسابات زمینداران و سرمایه‌داران
و به تبعید آلتیهای موجود پی می‌بردیم و نفرت نسبت به
آنها بیشتر می‌شد. یکروز به معلممان گفتم: پدرم می‌خواهد
اسلحه‌ای داشته باشد تا به آنها برود و آنرا بکشد. من
می‌گویم: معلم در جواب گفت: یک نفر هیچگاه به
تنهایی نمی‌تواند به جثه اینها برود و آنرا بکشد.
تو بهترین اسلحه یعنی کتاب را در اختیار
داری. از آن استفاده کن.

از آن روز بعد من هر جا می‌روم دیگر آن راه دور جمع
می‌کنم و برایشان کتاب می‌خوانم، از علل فقر
و بیچارگیشان و از کسانیکه پدران و مادران را غارت
می‌کنند برای آنها می‌گویم. برای آنها که خواندن و نوشتن
میدانند کتاب می‌بهم کتابهای را که دشمنان زحمتکش
را رسوا کنند، کتابهای را که غارتگرها و زبدهای
سرمایه‌داران را بیان کند و راههای مبارزه
با فقر و نابرابری را به آنها بیاموزد.
من اینکار را تا زمانی که نشانی از فقر و سواد
استم و نابرابری باقی نماند ادامه
میدهم.

یکی از دانش‌آموزان بنام محمد تقی حیدری یک نقاشی
پست‌پیشه‌ای از معلم شهید سعد به رنگی به کانون اهدا
کرده از ایشان تسکرم می‌کنیم



یکی از دانش آموزان از سودگان همراه با نامه بلند بالائی که
از کمبود هاسنارسا و مشکلات حکایت دارد این دو قطعه
عکس را که جگونی تنه‌پاره ارتباطشان را با خارج نشان می‌دهد
برای مافرساده در قسمتی از نامه نوشته شده ماد ائمه آرزو
کردیم که زود تر به سر رسیدن یکایک مسئولان فراموش نکنند
بهار آمد و تابستان نزدیک است ولی مسئولان هنوز ؟





من یک زنم

من یک کارگرم

به انگشتانم نگاه کن

که چگونه لطافت و تد اوم تاریخ را

درهم می آمیزد

من یک کارگر قالیبافم

بین که چگونه گل و بوته هارا

در دل تاروپود قالی میکارم

تمساحها د هان گشوده اند

به این دلیل فرزند انم در سراسر دنیا گرسنه اند

میخواهم حاصل کارم از آن فرزند انم باشد

بدلیل اینکه دیگرنمیخواهم استثمارشوم

تصمیم گرفته ام تمساحهارا نابود کنم

شهین دختر قالیباف محصل شبانه



فرخی: طوفانگری دهان دوخته

چون وسیع اندکندانه ای حاکم تاب این دریای طوفانزده
انتقاد رانمی آورد به پیروی از وحشیگری تمام حکام تاریخیج
دستورداد دهان فرخی پیروزد محاکمه رابا نج و سوزن -
استبداد بدوزند .

دوماه پس ازاین واقعه فرخی از زندان یزد به تهران فرار
کرد . چه خامور کردند آثار انقلاب را ، که پس از آن خود
گوید :

هرکه راد وخته شد در ره مسروعه دهان

ببرد بیهو است نگوید بجز از راست سخن

زهی حماقت وجهی که تمام خود کامگان تاریخ کودکانه از
خود نشان میدهند . و سرانجام هم نابود همین راه میوند
دراوازل جنّت جهانی اول بواسطه جونا ساعد و ظالمانه
ایران فرخی به عراق مسافرت کرد و چون در آنجا نیز سر
ضد استبداد دولت انگلیس افکار آزاد بخواهانه ا را را
انتشار میداد مورد تعقیب قرار گرفت و از بیراهه ویا پای پیاده
به ایران بازگشت .

در تهران یکبار مورد ترور قرار گرفت ولی جان بدر برد

در سال ۱۳۰۲ قمری در خانواده ای متوسط نوزادی متولد
گشت که پدر نامش را محمد نهاد . پدر این کودک را چون
از مال و منال دنیاچندان بهره ای نبود بجای مدرسه
فرزند را به کسب گمارد ، ولی طبع سرشار محمد وی را که بپیر
از شانزده سال نداشت به سیرا شعرا سعدی و مسعود سعد
کشاند و پس از غورو تعمق در آثار این قلیل ادب مقدّمات شاعری
ستاره ای پرفروغ را فراهم ساخت که میتوانست جهان را روشنتر
باشد . نخستین باریکه لب به شعر گشود نوان آزادگان سر
داد و فریاد رعد آسای خویر را همچون پتک کاوه بر سر حاکم
مستبد و جبار یزد " ضیغم الدوله " فرود آورد و بجای مدح سال
نوا و رانچنان با اشعار انقلابی کوبید که ضیغم " یعنی شیر "
بی مسمی به رویاهی مکار بدل میگردد و شاعر حق گوی حقیقت
جوی یزد یعنی محمد فرخی راد ستگیر کرده پشت میز محاکمه
ایکه تمام آزادگان جهان نوا پیروزی حق را سرمیدهند -
کشاند و او با کلامی که ویژه سرباختگان آزادی است حاکم
یزد را به اقتضاج کشاند و جلسه محاکمه را به مجلس افسان -
ستگر بهان ضیغم الدوله بدل کرد .

معلم	معلم
۲۴ شد و بعد از محاکمه آن جنجالی باز روزنامه طوفان را - توقیف کردند . فرخی در روزنامه "قیام" مقاله ای چاپ رساند و به همگان نشان داد که این روزنامه همان وابسته و این روزنامه نگاران جیره خوار یا ترسو حقایق را نمی نویسند و فقط به دولت به به وجه میگویند ، ولی ایران و ایران است پس از این مقاله فرخی راه کرمان تبعید و در سربازخانه آن شهر زندانی کردند . پس از ده ماه فرخی آزاد میگردد و این بار طوفان هفتگی را انتشار میدهد ، این مجله پس از دو سال و ۱۳۳ شماره منتشر شد .	در سال ۱۳۰۰ شمسی که بودم ایران در چارمنقاوش و خدشتاکی شده بودند و من و من بعد از مرطوب همراه را برای ایجاد یک دیکتاتوری ضد مردمی و روی کار آمدن سر سیده آن چون رضاخان رفاهم می ساخت ، فرخی برای رساندن پیام سرخ به مردم و بخود آوردن آنها - روزنامه طوفان را با مشکلات فراوان انتشار داد و سرخفتگان راه سب می تازد که : انگن غارت را به این غارتگران داده است سخت
با این مجله دانشمندان و شعرائی چون ملک الشعرای بهار ، فروغی بسطامی ، وحشی بافقی ، همکاران داشتند که انتشار این مجله تا بهمن ۱۳۰۷ ادامه یافت و همچنین روزنامه طوفان تا سال ۱۳۱۱ با توقیفهای مکرر به بیادار زحمتکشان ایران ادامه داد . فرخی بارها بزرگان افتاد و آزاد گشت یکبار در سال ۱۳۱۶ بخاطر اجرائیه ای که به کاغذ فرو برای اوصاف رکود به زندان ثبت افتاد و در آنجا بخاطر رفتار زندانیان و گرسنگی و تنهائی دست به خود کشی می زند که از مرگ نجات می دهند و سر انجام در سال ۱۳۱۸ شمسی در زندان بوسیله آمبول هوا در زمانیکه به از چهل سال داشت بزندگی پیر بار خانه دادند .	سستی و خون سردی و نادانی و احمال ما حال مایکچند دیگرند اینجا بگذرد بدترازمایی بود ایام استقبال ما روزنامه ای که انتشار می یافت باز توقیف شد و طوفان تا نابودی بنای الم از انباشتنی نبود و فرخی طوفان کرم به هیج وجه خود را نمی فروخت . خون نامه ما برای کلاسی نیست چون خامه مامرتی از راضی نیست پس پینه ما هرزه د رآئی نبود پس حرفه ما تهمت و فحاشی نیست زمانیکه به روزنامه فرو سیاه ستور داده شد که از فرو - روزنامه فرخی خود داری کنند و روزنامه را راد راغو گرفت چون مادر مهربان و به رعایت از آن طوفان و انقلاب و فروخت و در دستگاه حاکمه خود را گشت خورده دید دستور توقیف روزنامه را صادر کرد ولی فرخی مقاله های راد روزنامه را به چاپ رساند .
از فرخی دیوان شعری باقیست که مجموعه ای از غزل و انقلاب می باشد و این اشعار در روزنامه طوفان چاپ می رسید و هر شعر خون سیالی بود که در رک انسانهای تحقیر شده حیات و جف و جو می آفرید ، زمانیکه فرخی بانوائی خون بعد بر سر شور و شری های جامعه می میخورد که :	پس از آن که روزنامه از توقیف درآمد فرخی انحصار المیهای رضاخان میربخ را که آن روز ویرجنت بود به یاد انتقاد گرفت . ویرجنت از محال خواستار محاکمه فرخی

در کف مرد انگو شمشیری باید گرفت

حق خود را از دهان شیر می باید گرفت

تا که استبداد سر بر پای آزادی نهد

دست خود بر قبضه شمشیری باید گرفت

حق دهقان را اگر ملاک مالک گشته است

از کفر بی آفت تأخیری باید گرفت

بهرمشتی سیرتاکو یک جهانی گرسنه

انتقام گرسنه اسیری باید گرفت . . .

تحمل از مفتخواران استبداد گرو خواب و خمودی از زحمتکش

زدوده میگردد و آنگاه است که زندان را میکنند در راه

روزنامه را سنگ میاندازند ولی تیرهای شکسته شان بر

پیکر روئین عزم فرخو هرگز کارگر نمی افتد و خوندش چه خوب

میگوید :

آنکه در زنجیر کرد افکار ما را ز فرخی

در حقیقت آفتابی راه گل اندوده بود

فرخی را میتوان از اولین کسانی حساب آورد که بطور محسوس

غزل را از طریق مغالزه و شهوات و دون صفتانه بیرون کشید و

این شعر بر تأثیر بر انگیزنده را بخندمت زحمتکشسان گمارد

و با فریادی که کون رسوائی بید اگران را بر عالم می نوازد .

میگردد که :

از ره داد زبید ادران باید کشت

اهل بیداد گراین است و گران باید کشت

آنکه خور پوشد و خور نوشد و بیکار بود

چون خورد حاصل رنج و گران باید کشت

پرده ملک دریدند و جواز پرده دری

فارسوی پرده از این پرده دران باید کشت

مسکنت را زدم دان و رو باید کرد

فقر را با جگر کارگران باید کشت

و فرخی عالمانه دریافتی بود که سبب تمام ناپسا مانیهایی

توجیهی بود و راز هم بودن کارگران و کشاورزان است و در بیشتر

اشعار آنها را به قیام علیه استعمارگران فرامیخواند و در

نمای سوسیالیسم و برابری و مساوات را در رجاء همه همواره

وجهی همت خود قرار میداد .

بهر خود تا فکرت رفع بینهایت میکند

کار فرما کارگر را که رعایت میکند

ماه نو باروی پر خون سفی را کن نگاه

کان زدا این دست دهقانان حکایت میکند

آخرای مظلوم از مظلوم چون خود یاد کن

چون ببینی ظالم از ظالم حمایت میکند

آه مظلومان چو آت در میان پنبه است

چون فتد اینجابه آنجا هم سرایت میکند

بگذرند از کبریا می گرخت اوندان آرز

ثروت دنیا خلاق را کفایت میکند

ثروت آنکس که میباشد فزون باید گرفت

و آنکه کم از دیگران دارد فزون باید نمود

ریزد عرق هرانچه زبیشانی فقیر

سرمایه دار جای می ناب میخورد

توده را با جنگ صنفی آشنا باید نمود

کسب کار را بر سر فقر و غنا باید نمود

تا مگر عدل و تساوی در بشر مجری شود

انقلابی سخت در دنیا باید نمود

بر سر سخت چو سندان غنی مشت فقیر

کارگر هست اگر چون چکر کارگر است

معلم	۲۶
غافل متوجه داس دهاقین خونجگر	که نمایانگر نهایت عشق به وطن و آتش هم وطنی آزاد و دوزار
روزی رسد که بر سر آریاب میخورد	تمام تبعیضها و قلدریهای استثمار خارجی و فارتگری و ارتجاع
بیکرمریان دهقان را در آریاب یاد نارد	د اخلی . وطنی که دهقان زحمتگ گلوئی مالک متجاوز
آنکه در بار بار بوسد روی سیمین بیکرانرا	مفتخور را با داس خویش در رو کند و کارگر با فرود آوردن چکش
گرموبد گندم بود از چیست که زارع	بوفرق استثمارگران د اخلی و خارجی به حقوق حقه خویش
از نان حوین سیر نقد رعد سی نیست	د ست باید و خلاصه پرستند و وطنی است آزاد و آباد
فرخی دریافته بود که باید بجای حرف عمل کرد و داس	واماد رزمینه هنر باید در نظر داشت که فرخی وارث هنرست
دهقان و جگر کارگر را در مغز مفتخوران فرود آورد و آزه و	که آنرا بازگشت یا انحطاط ادبی گویند . زمانیکه سروس
ناله پرهیز نمود .	اصفهان و شعرای دیگر هم عصا و فقط هنرشان منحصر
زبون بندیم زبون وقت کارگر فرزدیم	به این بود که از دیوان شعرای سبک خراسانی تقلید
زیاد به بسته و بازو گشاده باید کرد	کنند و به خود زحمت هیچگونه نوآوری و ابتکار را نمیدادند
موسوع دیگری که فرخی ساخت می آزرده قدرت ارتجاع	و چنان رکودی د چار شعر فارسی شده بود که چشمه هنر
و انحراف مردم از لایق انقلاب بود *	کاملاً "خشکید" بود فرخی به همراهی ملک الشعرای
تغییر و ارتجاع و خرافات و های و هوئی	د دیگر هنرمندانیکه د روزنامه طوفان همکارا بودند چه در
از این طریق طی مراحل نمیشود	زمینه صنایع بدیعی وجه از نظر ساختن مضامین تازه قدرت
آنانکه سواراسب گلگون شده اند	خوبتر را نمایان ساخت . د طریق صنایع بدیعی بیشتر
از مسمم ارتجاع بیرون شده اند	فرخی به ساختن جناسهای زیبایی د ست میزد که علاوه بر
با آنکه گوییده به قانون سکتی	افزودن ملاحظت شعریه مفهوم نیز لطمه وارد نمیشاخت و
امروز نماینده قانون شده اند	محتوی را فدای قالب نمیکرد .
چنانکه د آغاز گفته شد فرخی شاعری است که درد و عرصه	تازند و برند اهل جهان کوی تمدن
هنر و انقلاب د زمان خود قدرت تمام داشت د رزمینه	ای فارسی مکرر فارسی ما را فارسی نیست
انقلاب با تمام وجود میگوید :	د فع این گفتارها گفتارها نتواند نمود
کرد ست من رسد به زهرشوق میروم	از ره کرد اربابید د فع این گفتارها
تا خوابگاه مرگ به پایون انقلاب	بقیه در صفحه ۳۹
و یاد رغزلی دیگر :	
ای خا . مقدس که بود نام ایران	
فاسد بود آن خون که براه تو نریزد	

نگاهی به آموزش و پرورش در روستا

اگر بخواهیم همه گزارش‌ها را در همه موارد بنویسیم متأسفانه هفتاد و نه کاغذ می‌شود که در حوصله بحث مانده است. بنابراین می‌گوئیم تا حد امکان نمونه‌ها کلی بسواد وضعیت مدارس، چگونه سواد آموز و بنیاد روستاها، آموز و پرورش را در مقابل این مسئله که در دستر همه روستاهای ماکه نه تنها در مایلکه در د کلیه جوامع سرمایه داری وابسته به امپریالیسم است در معرض دید قرار دهیم. اکثر قریب به اتفاق زنان و مردان و بنیاد روستاها روستایی حتی از سواد خواندن و نوشتن محرومند.

تعداد بیشماری از روستاهای کوچک و دور افتاده اصولاً فاقد مدرسه اند.

— کمبود معلم در اکثر روستاها به چشم می‌خورد.

در روستاها، بزرگترین و بزرگترین مراکز بهداشتی معمولاً دارای مدرسه و معلم می‌باشند. بازمسکلات بسیار دیده میشود ساختمان مدارس که اکثراً قدیمی و بدون توجه به نکات ایمنی و قتی ساخته شده و امروزه ویرانه شده فاقد بهیشتراستاسیات از قبیل اتاق کافی برای تشکیل مدارس زمین ورزش و حتی توالت می‌باشند در این رابطه، مدرسه گرسنگ تشکیل شده از د اتاق نیمه ویرانه که یکو به سکونت معلم و دیگری برای تشکیل کلاس اختصاص داده شده مدرسه فاقد وسائل ورزشی و حتی توالت است و نظافت کلاس و مدرسه به عهده دانش آموزان است.

— تنها مدرسه لاطان ساختمان نیمه ویرانه است با کمبود های فراوان.

سرمایه داران وابسته و زمینداران بزرگ حیات خود را در استثمار هر چه بیشتر زمینشان می‌یابند آنها از خون کارگران کشاورزان و دیگر زمینشان تغذیه میکنند و روز به روز فربه تر میشوند عطر آنان به استثمارم افزون و سیری ناپذیر است و همیشه می‌کوشند تا علاوه بر ادا بهر کس خود بر آن بیفزایند و این امر امکان پذیر نیست مگر اینکه توده های محروم در رنآگاهی بمانند. نگاهی بر زندگی توده های فقیر و محروم جامعه نشان میدهد که هر کجا فقر و بهره کشی وجود دارد — بیسودی دیده میشود. و هر کجا بیسودی به چشم می‌خورد فقر و مشهور است در این میان روستاها و روستائیان که بیشتر فشار سرمایه داران و زمینداران برگردانده هایشان سنگینی میکند، بیشتر رنآگاهی نگاه داشته شده و میشوند تا از این طریق هیچگاه به علل فقر و محرومیشان پی نبرند.

xxxxxxxxxxxxxxxx

برای بررسی روستاها به خصوص چگونه آموزش و پرورش در روستاها از همکاران خواسته بودیم که از موقعیت کلی روستاها محل خود گزارشهایی تهیه و برای ما ارسال دارند بدنبال طرح این خواسته ها گزارشهای زیادی آمد دست ما رسیده است. رنجامه هایی سرشار از درد و بیماری، فقر و گرسنگی، نگرانی و... درد و بیماری در کنار طبیعت سالم با گیاهان شفا بخش — خود رو، فقر و مجاورت منابع — زال شروت نگرانی از آینده ای تاریک و مبهم و گرسنگی تولید کنندگان نان.

— د مصطفی آباد یعلت کمبود اثار، ازگرید و ویران تشکیل
دارن استفاده مینود،
واصولاً "سحب ازامکاناتی ازقبیل کارگاه — آزمایشگاه —
کتابخانه و و . . . مایه گفتی و تعجب اندر آموزشستایی
است و نکته خالب درین میان برداشت اداره آموز
ویرور ارکلا و مدرسه است که آن را فقل اناقیایی میداند
باهر برایتی . کافست که یک چهار دیواری باشد باسقف
باوریکه درنامه آن به دبستان مصطفی آباد بران رفع
کمبود کلا ن توصیه می کند خود اهالی ۲ — ۳ اتاقی اجاره
کنند و کلا سهاران تشکیل شود .

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

مدت بسیار از حرف کارشناسان مسائل آموزشی و معلمان
متعهد و مسئول مشکلات و عیوب مدارس، نویسنده و نقاش باز
دارنده آن در امر آموزش گفته و نوشته شده و حتی مسئولان
آموزش و پرورش هم اگرچه در حرف مخالفت خود را با آن
ایرازد داشته اند ولی می بینیم که اکثر مدافعان هنوز بر وال یک
نویسنده ادا را می بینند و حتی ادا را در آموزش و پرورش چهار محال و
بختیاری در نامه شماره $\frac{48415}{7}$ به دبستان مصطفی
58/8/14

آبادی. نویته کردن مدرسه رابعنوان یکی از راه حل های رفتن دختران به مدرسه جلوگیری میکند

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

د دختران روستای بمراست از محرومیت بیشتری برخوردارند چون از یکطرف به حرم زن بودن و در جامعه طبقاتی مورد ظلم قرار میگیرند و از طرف دیگر با لایقهای فرهنگ فئودالی حاکم بروستا که هنر و آموزش را برای دختران نه تنها غیر لازم بلکه مضر هم میدانند بیشتر به خانه نشینی و محرومیت از آموزش سوق داده شده اند .

پژوهشکن
جنبش معلمان

فرهنگ انقلابی و مردمی بجای آن، و چون باتوجه به تبلیغات
سوی که در این رابطه میشود و کلاً جایگزینی فرهنگی
بجای فرهنگی دیگرست و بقطع وابستگیهای از قبیل وابستگی
اقتصادی، نظامی، و... دارد و این کار نیازمند زمانی طولانی
است، و وظیفه دوم استفاده بیشتر از امکانات موجود سعی در
گسترش مدارس روستائی است تا از این طریق از خانه نشینی و
محرومیت از تحصیل دختران تا حد ممکن جلوگیری شود.
مشکل دیگر عدم وجود مدارس راهنمایی در روستاهاست که
باعث ترک تحصیل تقریباً همه دختران و پسران از مدرسه
آموزان پسر میشود چون از طرف تأمین مخارج دانش آموزان
برای اکثر خانواده ها فقر و روستائی وجود ندارد و از طرف
دیگر نبودن امکان زندگی بدون سرپرست یک نوجوان ۱۱-
۱۲ ساله در شهر باعث میشود که دانش آموزان مجبوری ترک
تحصیل شده و از همان سنین کودکی به کارهای سخت و توان
فرسایند ازند و فقط در این میان معدود کودکانی که خانواده
آنان دارای درآمد نسبتاً خوب بوده و در شهرهای مراکز
بخشهای آشنایانی داشته باشند موفق به ادامه تحصیل
میشوند یا دانش آموزانی که در مجاورت روستای آنها
روستاهائی دارای مدرسه راهنمایی وجود داشته باشد که
اینگونه دانش آموزان نیز مشکلات خاص خود را دارند
مشکلاتی از قبیل دوری راه نبودن وسایل نقلیه و از این
قبیل بطور مثال در گزارشی از لالهان میخوانیم
- دانش آموزان راهنمایی این روستا مجبورند هر روز فاصله
۶ کیلومتری روستای خود تا بن محل قرار گرفتن مدرسه
راهنمایی را در سرما و یخبندان زمستانی پیاده طی کنند
که اینکار باتوجه به ضعف و ناتوانی جسمانی دانش آموزان
باعث بیماری و ترک تحصیل عده زیادی شده است.
وجود کلاسهای چند پایه سد دیگری است در مقابل پیشرفت

کارآموز، اینگونه کلاسها تعداد زیادی از روستاها وجود
دارند.
- تشکال س مدرسه کرسنگ پنج پایه است که دانش آموزان
کلاسهای اول تا پنجم در این تشکال س به درس خواندن
مشغولند.
- در روستای دخترانه بردن کلاسهای اول و سوم
ثواما در تشکال س و کلاسهای دوم و چهارم و پنجم در روستا
کلاس تشکیل میشود.
در اینگونه کلاسهای پانچ در تشکال سهای بالا بران دانش
آموزان کلاسهای پانچ تر مشکل و سرکجه آور و سرکجه
مدال کلاسهای پانچ تر بران دانش آموزان بالا تر سده و
بیر با افتاده و ملال آراست که این عمل باعث دلزدگی و
ایجاد سرخوردگی و در نتیجه پائین آمدن سطح یادگیری و
پیشرفت کار است.

فقر حاکم بر روستاها نیاز مبرم به نیروی کار کودکان در کشاورزی
عامل دیگر مهمترین عامل پایین بودن سطح آموزش کودکان
روستائی است. خانواده روستائی که در اثر استثمار و بهره
کشی بیشرمانه سرمایه داران و زمینداران بزرگ با فقر دائم
و پیر از حد دست به گریبان است و از طرف دیگر در وجود
همزاد و همراه فقر یعنی بیسودی و ناآگاهی علل فقر خود را در
نیافته و بدنبال راه درست حل آن نیست و برای قرار از
نداری بدنبال کسب درآمد بیشتر به کار زیاد از توان دست
میزند که چهره های درهم شکسته و پست خم شده مردان و
رنگ زرد و چشمان قوی بسته زنان شاهدی بر این مدعا است
و از طرف دیگر بدنبال نیروی جدید کار کودکان خردسال را
نیز بکار میکشد.
نکته مشترک همه گزارشهای رسیده حاکی از خلوت بودن

معلم	۳۵
کلاسهای درس در فضول کار کشاورزی یعنی "عموما" در ماههای مهر-آبان سه ماه بهار میباشد و فقط در ماهها آذر و سه ماه زمستان است که اگر در آموزش از روستاهای دیگر سه ماه تابستان و سه ماه زمستان و سه ماه بهار باشد و یاد از اشرف شدیدی غذا ای وضع جسمانی که در امتحان اکثریت در آن آموزش است با اولین تغییر در ماهی هواد چار بهار بهای گوناگون ندهد باشند کلاسها بطور مرتب تشکیل میشود . حق این بود که مسئله فقری از آن روستائیان به عنوان اولین یا تنها علت بازدارنده آموز - ذکر شکافه و برسی میشد ولی چون همان طور که در اولین سطوح مقاله بیان شد قصد ما در اینجا فقط نشان دادن چگونه چهره کلی آموز - و پرور - در روستا است ، برسی و پیگیری بیشتر این مطلب را به فرصتی دیگر موکول میکنیم	بانیستا " اولین - دومین - سومین امروزم بر هر کسار د یگر آموز - است " و وظیفه امروز ما بعد از پیروزی پادشاه تبلیغ این شعار و حرکت در جهت آن است . بدین منظور باید کتابهای درسی متناسب با نیازهای جامعه تدوین بشود کتابهایی که جای بررسی معلول به علتها پیدا د به جای بررسی نتایج فقر و معلوم فقر و راههای مبارزه با آنها را بیاموزد و در آن مطالبی نوشته شود که بتوان کارگزاران کشاورزان را آشنا نمود و خود را با آن بیگانه احساس نکند بلکه زبان حال خود را در آن ببیند و بدین حال آن با بسیج همگانی افراد با سواد و رفتن آنان به مزارع ، کارخانجات و هر کجای دیگر که زحمتکشان زندگی میکنند همراه با کمک و انجام کارهایشان خواندن و نوشتن را به آنها بیاموزد تا همراه با بالابردن سطح تولید و در نتیجه رفاه و توانستنی اقتصادی آگاهی و بیشتر زحمتکشان ما آنقدر بالا رود که دیگر هیچ قسمتی زیوارستم سرمایه داری وابسته و زمینداران بزرگ نباشند و آنگاه دیگر فرزندان زحمتکش ما از هفت سالگی در رد خمه های قالیبافی نخواهند پیوستند - فرزندان زحمتکش بخاطر اینکه حقشان در رجائی بوده شده از تحصیل محروم نخواهند شد - همه فرزندان زحمتکشان معنی بازی و اسباب بازی را در خواهند یافت - و آموز - و پرور - اجباری از کودکان تا پایان دوره متوسطه و رایگان تا بالاترین مقاطع تحصیل برای همه خواهد بود .

آموزش اجباری تا پایان دوران متوسطه و رایگان تا بالاترین سطوح حق فرزندان زحمتکشان است

گزارشی از یک معلم :

روزیکنشبه ۳۱ فروردین از طرف اداره بهداشت و درمان مأمور بهد است با تعدادی بوشتر به دستان مصطفی آباد آمدند تا در زمینه بهد است محیط و ترک اعتیاد و از این قبیل دانش آموزان را راهنمایی کنند . آنها از ما خواستند بچه ها را جمع کنیم تا برایشان در این مورد صحبت کنند . بعد از جمع شدن دانش آموزان یکی از مأموران برایشان سخنرانی کرد .

به این مضمون که :

"برای داشتن نظافت و سالم بودن باید هفته ای دو سه بار به حمام بروید ."

گرد و خاک باعث مریضی میشود ، تا میتوانید تو گرد و خاک نروید " سعی کنید پهنه ها را از محیط زندگی دور کنید ."

"برای از بین بردن و د و رنگه داشتن مگسها ، پست پنجره ها توری نصب کنید ."

"بعد از اینکه کوچکترین زخمی در بدن تان دیدید فوراً به دکتر مراجعه کنید ."

"آب آلوده را بجوشانید و مصرف کنید ."

و از این قبیل صحبتها که شاید در کتابها خوانده بود .

صحبتها و راهنماییهای او چنان از زندگی واقعی بچه ها دور بود که نه تنها بردنشان نشست بلکه باعث ناراحتی آنها گردید . بطوری که بعد از سخنرانی در قیافه اکثر آنها خشم و ناراحتی مشاهده میشد و همینطور هزاران سؤال ، بعضی بغض کرده بودند ، برخی فکر میکردند و همه ناباور . آنها یکی یکی اجازه خواسته و سوالات خود را با شور و حرارت و گاه با خشم مطرح نمودند .

"شما میگن هفته ای دو سه بار باید بریم حمام ، ماکه حمام درست

و حسابی نداریم ."

"شما میگن نباید رفت تو گرد و خاک ، ما دور تو گرد و خاک هستیم ؟"

اینها که خیابان اسفالت نداریم ، آفتاب این کوچه ها میسوزاند ، گرد و خاک است ، دولت باید آنها را اسفالت کند ، تا گرسنه و خاک کف نشوند ."

"همی میگید توها آفتاب داریم ، ما هم میوریم توها ، بریم برای اینکه رعیتو داریم وید رماست دست شماست ."

"شما که میگید باید تان زخم شد بروید دکتر ، ماکه دکتر نداریم ماکه پول نداریم ما برای مرضها و سخت هم باید به عیبناور بدون دکتر بمانیم ."

و از این قبیل سوالات و حرفها ، مأمور بهد است ابتدا سعی داشت حرفها را خود را بسوزد و تحریف کند و آنها را قانع ، اما از آنجا که خود هم به این سو

ها اعتقاد نداشت و در تن خود رایب آنها میداد بالاخره کوتاه آمد و گفت : خواسته های تان خیلی خوب است ولی سورا

ده باید این کارها را برایتان انجام دهد ."

در جواب این حرف او یکی از بچه ها با صدای بلند گفت :

شورا تشکیل داده ایم خیلی هم این سورا به سورا و

میداد ولی کسی به آنها محل نمیدارد ."

با اینکه مأمور بهد است حرفها را دانش آموزان باید بفهمد بود اما آنها او را راحت نمیکند استند و مرتب سؤال میکنند

تا اینکه یکی از معلمان دخالت کرده و گفت که این مأمور

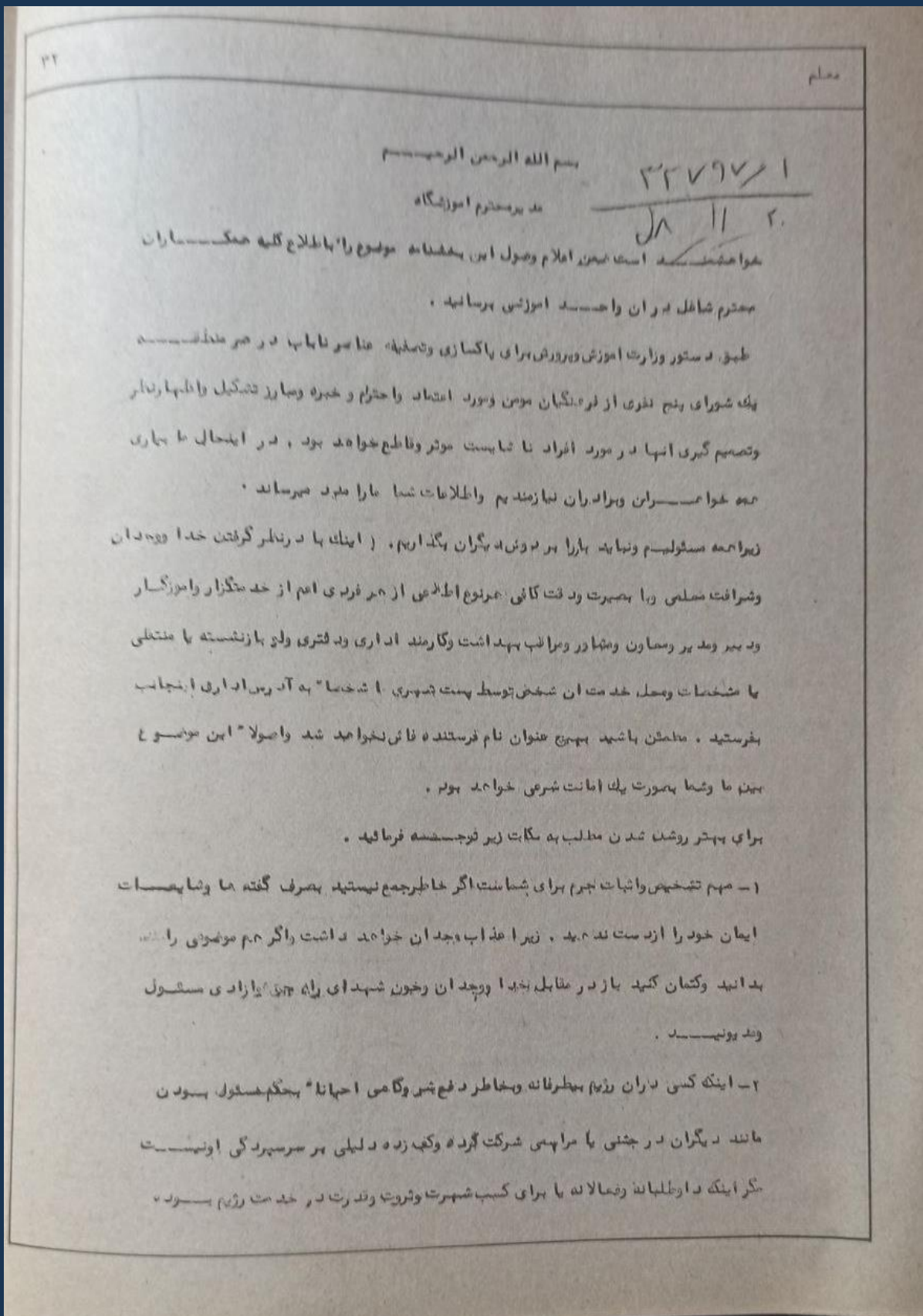
بهد است هم مثل خود ماست ، این بچه ها این مشکلات را درک میکنند و آنها را میفهمند ، سرانجام مأمور بهد است

لحن گرمی از بچه ها خد ادا او کرده و روستا را ترک نمود بچه ها همانطور که با چشم او را دیدن میکردند ، با هم گفتگو میکردند :

"اگر خواسته های ما را جواب میدادند ،"

"بهر گفتم و او برای چشم بده ولی نه داد ."

"اگر آنچه میگفت عملی میشد ، چقدر خوب بود ."



کانون مستقل معلمان چهارمحال و بختیاری

۳۳

۲۵

۳- افرادی که در گذشته ویا همسسالان سابق به زئبوه خواری - ربا خواری - فساد و اخلاق و مسائل ناموسی و جنسی و اعتیاد از هر نظر (مشروب و هرورثین و تریاک) و سایر اعمال خلاف اسلامی و انسانی زنده اند و ملا حیت مشغل شریف معلمی را به خصوص در جمهوری اسلامی ندارند و اکنون از انقلاب فقط رفاه و نفع خود را میخواهند باید مصرفی شوند.

۴- آنها تیکه پس از انقلاب اعمال "به عناوین مختلف کم کاری و یا تحریک آ و آشوب میکنند لکن حقیقت قصد لطمه زدن به انقلاب را داشته باشند و یا عمداً کار موافق خود را که در قبال آن حقوق از بیت المال میگیرند انجام ندهند و بطرق مختلف بدبینی و بی اعتقادی خود را به انقلاب مقدس اسلام پروردگار خود نمایند.

۵- آنها تیکه ضد اسلام هستند و بهر عنوان میکوشند تا از افکار دانش آموزان را منحرف سازند و معلمی را بخاطر ترویج عقیده و مکتب و مرام خود میخواهند اعم از اینکه کمونیست یا بهائیس و یا هر عقیده ضد اسلامی دیگر داشته باشند.

۶- آنها تیکه با اعتقاد و رفتار خود میخواهند به انقلاب اسلامی لطمه بزنند و مسلمین و مردم را نسبت به اسلام بیزار و بدبین نمایند.

۷- آنها تیکه بهر عنوان از کار کردن و انجام وظیفه خود سر باز بزنند و هر روز بدلیل یا غیبت و یا کم کاری می کنند و در این کار حرفه ای شده اند.

۸- آنها تیکه سابقه ویا پرونده اختلاس و ارتشاف در کلیه امور آموزشی و اداری و ساختمانی و غیر داشت باشند و لو اینکه گاهی رد پائی از خود بجا می گذارند و نگذاشته باشند که اینگونه دزدان این چنینند ولی قرائن و قضاوت مردم بسیاری از مبهما را روشن میسازد.

۹- مهمتر از مرجع صلاحیت معلمی در جو جمهوری اسلامی است اگر افرادی من حیث المجموع شایستگی نداشته باشند ویا شغل معلمی را تتمه حساب زندگی بدانند مصرفی شوند.

مکاران محترم با توکل به ذات حق ویا ودانی آگاه اقدام فرمائید و مطمئن باشید محرمانه و قاطعانه بنوشته امای شما ترتیب اثر داده خواهد شد و اگر مطالبی را بدانید و بنایم صلاح گزائی گمان کنید غیر از اینکه نباید توقعی از انقلاب داشته باشید خلاف اخلاق و اسلام و انسانی عمل کرده اید امید است در راه ای حق و اثبات حقیقت موفق باشید.

رئیس اداره آموزش و پرورش شهرستان بختیاری

[Signature]

معلم	معلم
و از بالا تشکیل شوند بلکه سوراخانی که از پایین و توسط خود آنها بوجود آیند و اینگونه سوراخها هستند که صلاحیت تشخیص عناصر فاسد و ضد انقلابی و تصفیه آنها را دارند . در حالیکه می بینیم ارقام تازه امروزه متواتر با تشکیل اینگونه سوراخها از طرف مسئولین مقابله شده است تازه بحثنامه نویسان یا نویسندگان این و بند برای همین خورای و نفی مورد تاسر خود هم خارجوب معین نموده اند و علاقه رفت تصمیم گیری مستقل را از آنها گرفته اند . بند ۱ بحثنامه نشان میدهد که صادر کنندگان آن شایعه حد فتنه اطلاعات ؟ هستند و تاجه حد راه را برای عناصر سست عنصر و ساواکهای آموزش و پرورش برای دادن اینگونه اطلاعات و همکاری بازگذاشته اند . چرا که در این بند هیچگونه اشاره ای به مجازات جدی در روشنگریان و شهادت زبان ننموده است و تنها برای آنها عذاب وجدان مطرح شده در حالیکه میدانیم هرگز برای ساواکها و وابستگان رژیم سابق مسئله وجدان مطرح نموده است . چرا که بحثنامه حتی به قانون اساسی جمهوری اسلامی هم که هرگونه تفکر عقیده را ممنوع کرده اعتقاد ندارند . ما می پرسیم : نیت واقعی صادر کنندگان اینگونه بحثنامه ها چیست ؟ آیا هدف آن آموزش و پرورش و بخت گیری خیرچینها ی جدید نیست ؟ آیا هدف این نیست که از نامه هاشی که اکنون " بعضی ها می فرستند استفاده نموده با استاتژ و تهدید بدلسودان برای همیشه آنها را بخت مت گیرند و از آنها جاسوسان خفیه بسازند ؟ آیا هدف خفه کردن آن آرماتهای نیست که معلمان و دانش آموزان را از امرات خونین خود فریاد کرد نند ؟ ما می پرسیم : در موقعیتی که میهن ما آماج حملات کین - تروانه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا است آیا امید آن دادن به ساواکها و بخت مت گرفتن دوباره آنها و تصفیه معلمان مبارز و مشرف و خیانت به خون شهدای راه آزادی و استقلال میهن نیست ؟ ما در همه این موارد قضاوت را به عهد خوانندگان میگذاریم .	بحثنامه ای که اداره آموزش و پرورش شهرستان لاهیجان صادر کرده است بیانش چیست ؟ بحثنامه "اعراض" در مورد نحوه پاکسازی عناصر فاسد از آموزش و پرورش است . اما با تکیه رفتن بر آن میتوان دم خورون را ساخته کرد . و به نیت واقعی چرا که آن پسو بسود می بینیم بحثنامه حاوی چه مبالغه است ؟ در بحثنامه گفته شده که سوراخی به نفره از افراد مورد احترام و خیره ؟ تشکیل شود تا با استفاده از اطلاعاتی که خواهران و برادران باور محرم نامه می فرستند اقدام به پاکسازی و تصفیه نماید و آنگاه و ... بند روشن کرده است که طالب "کوبه" اطلاعاتی است و بعد واقعی آن چیست ؟ بحثنامه میگوید اطلاعات خود را با نور محرم نامه بفرستید و در آن تون داده میشود تبه نام ارجاع کننده اطلاعات را . باید گفت مبارزه با عناصر فاسد و ضد انقلاب برای هر فردی مستبعد و مسئول نوعی و ایقه اعتبار از ما نیست . معلمان مشرفی همواره با این عناصر مبارزه کرده و میکنند و این کار را هم آور . نیست که احتیاج به مخفی کاری داشته باشد مگر اینکه موضوع بزرگتر باشد که می باشد . بند ۵ بحثنامه میگوید : به کسانی که آموزش معلمان را بزرده بسودند به ساسیکه در تمام مراسم آنها امری سرکشته میگردد و جلایحه به آنها داده میشود به رژیم سابق بودن کاری نداشته باشید . برادران زمان همه اینها و بودید ؟ (نویسنده همه را میبند خود می بیند) بلکه معلمان مشرفی و مسئول را که هم در رژیم سابق وجه در حال همواره با امپریالیسم مبارزه کرده اند با ساسی نموده و مشرفی نید تا بعنوان افراد ضایع و ضد انقلاب تصفیه شوند و این زمانی را به آنها از معلمان میاورد که در همه جا خوانمیزند : " میهن بد یارم و دارد و مو هم تو دارد " امیر برای معلمان دوران سپاه اعتقاد و سکوت را بساد میاورد . بحثنامه علاوه بر اینکه اگر امروزین انقلابی و ضد انقلابی را قصد و میبند مسئله سوراخ را نیز بگوید میباید . میدانیم سوراخها را همان ابتدا قیام تازه امروز خواست اکثر معلمان بوده و هست . منتظر نشو سوراخها که توسط بحثنامه

اخراج و تبعید معلمان مبارز نشانه ورشکستگی سیاسی مجربان آنست

سابق است که اینکار باید بوسیله شوراهای مورد اعتقاد آنان که در روزهای گلوه و خون نکل گرفته اند انجام گیرد . ولی باکمال تأسف و در میان ناباوری معلمان و دانش آموزان و دیگر کارکنان خلاق میبینیم که معلمان متعهد و مسئول بجرم داشتن عقاید سیاسی اخراج و تبعید میشوند . این حرکات که نشانگر انحصار المی اواحان و برنامه ریزان آن است عملاً گامی در جهت رویارویی گروهها و اقشار مختلف و تضعیف تنگن مردم در مقابل امپریالیسم آمریکا است اینگونه اعمال باعث خونی و امید امپریالیسم آمریکا و عاملین داخلی آن که در ارگانهای اجرائی نفوذ کرده اند می باشد .

مردمی که ارگانهای اجرائی را از آن خود و در کنار خود می پندارند و یامی پنداشتند از یکدیگر می پرسند ؟ مگر قانون اساسی تصریح نشده که هرگونه تفتیش عقاید ممنوع است پس اینان بر مبنای کدام قانون کدام ضابطه دست باینگونه اعمال می زنند . اینگونه اعمال که نشانگر ورشکستگی ایدئولوژیک ابراهان آن است باعث کینه و نفرت مردم شده بدون تردید باعث العمل شدن معلمان و دانش آموزان مواجه شده و شکست و رسوائی برنامه ریزان آن را در پی خواهد داشت

مدتهاست از ارف وزارت آموزش و پرورش زمزمه هایی در مورد تصفیه این وزارتخانه بشو میرسد . البته شایعه ای که در تاسا شامل ساواکها و وابستگان رژیم سابق میشود ولی هنوز برنده آن بدستیر لطف معلمان مبارز و آگاه است . ایشان میگویند با این عمل خود سرنوشت چند میلیون دانش آموز و معلمان را در و باره در دست گیرند .

در این میان تعابیلی مدافعان راضی شمرده تانیات خود را عملی نمایند و با پنهان های بوج و بی اسان خود معلمان مبارز را که سابقه مبارزات در رختان آنان و نحوه زندگی ان گواهی بر صداقت و پاکیزگی آن است بجرم داشتن عقاید سیاسی از صحنه آموزش و پرورش دور کنند .

توده های وسیع دانش آموزان و معلمان که در جریان روزهای پرتکوه قیام دو - دو - دو در گزشتگان با فریاد های رعد آسان خود بنیاد حکومت استبداد پهلوی را درهم کوفتند . و با مبارزات دلیرانه خود زخمی عمیق بر پیکر امپریالیسم وارد نمودند و میروند تا برای همیشه ریشه های آنرا از زمین خود و همه منطقه بکنند . بدون شک با معلمان قاطعیت خواهان ادامه انقلاب و بخصوص آموزش و پرورش میباشد .

تصفیه ای که معلمان و دانش آموزان خواستار آنند پاکسازی آموزش و پرورش از عناصر ساواکی و به وجهه گویان رژیم

اخراج و تبعید معلمان بدلائل عقیدتی
نقض آشکار حقوق انسان است

از میان مطبوعات

دوشنبه ۱۱ فروردین ماه ۱۳۵۹

صفحه ۴ کیهان
شماره ۹۰۹۲۴

آموزگار جوان
نوشته به قلم
رسید

نوشته به قلم: آموزشگار جوان
آموزگار جوان، نامی است که
در سالهای اخیر، که با توجه
به رشد و توسعه علم و فن
بود توسط افراد با افکار
مدرسه حلقه قرار گرفت و گفته
شد.

قابل تأمل این است که
را نیز به سرعت به نام و
شماره این آموزشگار در
میان مردم و فکر فراوان مردم
شهر روز گشت و خاسته
شد. مأمورین تلاش کرده‌اند
چند متکبری عاملان قتل این
آموزگار آثار گردانند.



شنبه ۲۳ اردیبهشتماه
۱۳۵۹ - شماره ۱۶۱۴۰

دانشسرای مقدماتی
دختران اسلام آباد

تعطیل شد

اسلام آباد - دانشسرای
مقدماتی دختران اسلام آباد
اطلاع ثانوی تعطیل شد.
این اقدام به جهت بازبینی
کسب آموزش و پرورش
کرمانشاهان از دانشسرا صورت
گرفت.

در این بازدید که رئیس
اداره آموزش و پرورش اسلام
آباد نیز حضور داشت، تعدادی
شمار در قسمت های خوابگاه
مختار مشاهده شد و اعلام
گردید که تا تصحیه دانش -
آموزان - دانشسرای مقدماتی
مختار تعطیل خواهد بود.

برای رسیدگی به جریان اخراج یک دبیر

دوشنبه ۱۳ اردیبهشت ماه
۱۳۵۹ - شماره ۱۶۱۲۸

دبیران اداری
در دفتر اعزام قضا
قم متحصن شدند

اراک - شورای دبیران اراک
در رابطه با اخراج نااهلین
لایق یکی از دبیران این شهر
از دبیرستان توسط حاکم
شرع، به عنوان اعتراضی
به رهبر انقلاب و دادگاه عالی
اعزام لغات مبارزه کرد.
در این تگرام آمده است:
شورای دبیران دبیرستان های
اراک با اطلاع میرسانه که
بسیار مدائرت و تگرامهای
خوبی در رابطه با صدور حکم
اخراج خانم ناهید شمس الهی
از طرف دادگاه شرع و پس
توجه به وضعیت خاص موجود
در اراک بعلت عدم اعزامیات
رسیدگی، مجدداً و مصری
خواستاری که هرچه زودتر
نست به تعیین و اعزام این
هیاتتشریع شود و پیش از
این بیهی های ناشی از
بنفوی های مکرر بوجود
نیاید.

شما یادآور میشود چنانچه
تا پایان روز دوشنبه اقامتی
در این زمینه انجام نگردد،
جهت رفع هرگونه تگرائی و
یا تنوع در مدارس، شورای
دبیران اجباراً در دفتر اعزام
لغات قم حاضر و تا اعزام
هیات، در آنجا متحصن
خواهند شد.



شنبه ۱۳ اردیبهشت ماه
۱۳۵۹ - شماره ۱۶۱۲۱

۱۷ دانشجوی مرکز تربیت معلم
اراک از تحصیل محروم شدند

اراک - بنابر شکل
سمندر روسای مرکز تربیت
معلم کشور و ناگفته این
سجرات بر امر پاکسازی
معلم
دانشجویان عضو انجمن
اسلامی مرکز تربیت معلم
پسران اراک با خودداری
در شرکت در کلاسهای درس،
خوابگاه اجاری پاکسازی
در این مرکز شدند و در پی
اقدامی که صورت گرفت،
۱۷ تن از دانشجویان
اخراج گردیدند. گفته می-
شود اخراج این متخلفان
دانشین معاند مارکسیست
با ایجاد تشنج بوده و نیز
تعدادی از آنها، برای کار
آموزش و تدریس، متعلق
شخص داده نشده‌اند.

در این اطلاعیه
دانشجویان با زمینه سازی
شلی، به تعطیل کلاسها
کلاسها از طریق مدیریت
بعضی مدرسین و گروهی
از دانشجویان انجمن
اسلامی دگر گردیده و گفته
شده که این صلبا حمایت
گروه های فشار در خارج
از مرکز تربیت معلم
از مسئولین امر انتاب شده
است.

در اطلاعیه متکسر
دانشجویان اخراجی
پرسیده‌اند: آیا بلای دانش
عقدی غیر از حزب
بخصوص انجمن اسلامی،
متوان دانشجویان اخراج
کرد، ما خواهان انقلاب
فرهنگی و تصحیه انقلابی
است.

حریر فروش رشید مرکز
تربیت معلم پسران اراک
این باره گفت: بکمیات ۱۴
نفری بطور مخفی در باره
دانشجویان رای داند و
هر دانشجویی که ۹ رای
منفی آورد، از تحصیل
محروم گردید.
وی در مورد اخراج
شدگان گفت: پرونده این
عده مورد بررسی آموزش
و پرورش مرکز و دو نفر

دادگاه انقلاب اسلامی
پس از رسیدگی به پرونده
معلمین و کارمندان آموزش و
پرورش که عضو ستاد خلق
ترکمن بوده‌اند و برافشاندن
گنبد دخالت داشتند، رای خود
را صادر کرد.

۱ - محمد اخوندی رئیس
حزب رستاخیز سابق، ۲ - شیوا
رویگران، ۳ - محمدقلی
عزیزی بکله مرادگری، ۴ -
آشور مصطفی محمدی، ۵ -
آی محمد آبی محمد، ۶ -
پروین دست طباطبائی، ۷ -
رای صلوه این شش نفر محکوم
به اخراج از آموزش و پرورش
شهرستان گندمند.
و مهلت مناج، حکیم‌شاهی،
ظاهر طالبی، عبدالجلیل‌طالبی،
مشتبه دوجی، کریم کر،
ابراز قریبیک، سید باقر
میرحیدری، حمید شاهی،
آناوریک، قربان بردبانی،
تقی‌نام گرجی و کاظم راجبر،
این سیزده نفر نیز محکوم
به تبعید به شهرستانهای یزد،
اصفهان، کاشان، رفسنجان،
قم، شاه‌پور و جهرم شدند.
روابط عمومی دادستانی کل انقلاب اسلامی ایران

شنبه ۶ خرداد ۱۳۵۹ - کیهان

۷۰ دانشجوی اخراجی دانشسرای
فرح آباد ساری خواستار اعلام
علل اخراج خود شدند

ساری - هفاد دانشجوی اخراجی دانشسرای فرح‌آبادی
تعلیمی فرح‌آباد ساری در اطلاعیه خواستار روشن شدن علل
اخراج خود شدند. این عده که در نوبتات اخیر دانشگاه
و مدارس عالی و تعطیل دانشسرای فرح‌آباد به استاد اطلاع
اداره‌ک آموزش و پرورش هارندوان برای دریافت معرفی‌نامه
ثبت نام به نواحی آموزش و پرورش مراجعه کرده و موفق
به گزین معرفی‌نامه و در نتیجه ثبت نام مجدد در دانشسرا
شدند، در اطلاعیه خود ضمن ذکر این مطلب که غیر از
آموزش و پرورش هارندوان در رابطه با این امر خورما تنها
مورد دلیل اخراج دانشجویان اظهار بی‌اطلاعی کرده است.
آوردند: ما کینه ر ه های قانونی برای روشن شدن علل
اخراج غیر قانونی هفتاد و یک نفر دانشسرا تاکنون غیر
کرده‌ایم ولی هنوز هیچ مقام مسئولی نیافتاده که لافان
دلیل منطقی و قانونی اخراج مارا توضیح دهد.

پژوهشگر
جنبش معلمان

اخبار....

گزارش از فرور نشریه معلم :

معلمان در مدرسه جمع بودند که من نشریه معلم را با آنجا بردم یکی از معلمان نشریه را از من گرفت و شروع به ورق زدن آن کرد ناگهان با صدای بلند گفت این عکس مدرسه خودمان است و گزار آن را بلند بلند خواند . یکی از خبرهای نشریه شرح عمل خلاقی بود که یکی از معلمان همان مدرسه انجام داده بود معلمان یکی یکی میگفتند این کار کیست و عامل خلاف را سرزنش میکردند یکی از آنها میگفت چه کسی این خبر را به کانون مستقل معلمان داده است .

x x + + + + + + + + + + x x

در جواب همکار عزیزم که گفته چه کسی این خبر را به کانون داده است باید گفت که کانون مستقل معلمان به همه معلمان شهرستانها اطلاع دارد و هر معلم مسئول و متعهدی وظیفه خود میداند که نواقص کمیبود ها و نارسائیهای موجود در مدرسه خود را به کانون گزارش دهد و کانون نیز وظیفه خود میداند که با منعکس کردن این کمیبود ها و نارسائیها علکرد آموزش و پرورش را در منطقه بازگو کند و بدین وسیله گامی در جهت اصلاح آموزش و پرورش بردارد .

انتخاب هیأت اجرائیه کانون :

در تاریخ ۱۳۵۹/۱/۲۸ انتخابات هیأت اجرائیه کانون برگزار گردید . ۱۳ نفر اعضای اجرائیه با رأی مستقیم و مخفی اعضای کانون برای مدت یکسال انتخاب شدند .

از این ۱۳ نفر ۵ نفر برگزیده شدند ۳ نفر از روحانیان و ۵ نفر از فارسیان - فرهنگیان و ۳ نفر از معلمان - انتخاب گردیدند .

در تاریخ ۲۸ فروردین ماه یک نمایشگاه عکس کتاب از طرف جوانان مسلمان نافع برگزار شد و با استقبال عموم مردم روبرو شد . برنامه با آرمی ادامه داشت تا اینکه روز پنجشنبه چهارارد بیست شخص به ده آمد و بدینال سخنرانی تحریک آمیزیک در مسجد نمود عده ای تحریک شده و به نمایشگاه حمله کردند و قصد آتش زدن آنرا داشتند که با مقاومت مردم روبرو شدند . و در نتیجه متحرک درگیری و زخمی شدن چند نفر شد .

برپای نمایشگاه عکس از معلمان شهید از طرف کانون مستقل معلمان چهارمحال و بختیاری بمناسبت بزرگداشت ۱۲ اردیبهشت روز معلم نمایشگاه عکس از معلمان شهید و وقایع اخیر دانشگاهها بمدت ۳ روز رسالت دبیرستان سید جمال الدین اسدآبادی شهرکرد برگزار شد . بیشربازدید کنندگان نمایشگاه معلمان و دانش آموزان بودند . آنها از میان معلمان شهید صد را بخوبی میشناختند انکته قابل توجه این بود که دانش آموزان بخصوص

۳۸	معلم
نمایر فیلم گروه فیلم کانون مستقل معلمان از تاریخ ۱۳۵۹/۲/۸ بحث سه روز و فیلم "از خون تاشورا" و مبارزه طبقاتی د ورتقال * رابه نمایر گذاشت	د اثر آموزان روشنائی علاقه زیاد و به کسب اطلاعات بیشتر د رباره زند گو سایر معلمان شهید د اشتند بهمین جهت چند تن از معلمان کانون همیشه د ر محل نمایشگاه حضور د - اشند و اطلاعات لازم را د را اختیار یازد بد کنند گان قرار میدادند
د ر تاریخ ۵۹/۲/۲۵ کانون مستقل معلمان با پیچر - اعلامیه ای د سطح شهر آماج گو خود را جهت تهیه نقشه ساختمانی برای جمعکشان اعلام نمود، که مورد استقبال عده ای زیادی از مردم جمعک قرار گرفته است .	بزرگداشت روز معلم روز جمعه ۱۲ اردیبهشت د کانون مستقل معلمان چهار محال و بختیاری مراسم بزرگداشت روز معلم را برگزار کرد . برنامه با اعلام یک دقیقه سکوت ایستاده برای بزرگداشت خاطره معلمان شهید و شهدای اخیر د انشگاه آغاز کرد بد و سحر زیبا د امه یافت
د د ر فرخ شهر د فرزندانش جوان مرکز تربیت معلم را با خاطره حمایت از تحسن فارغ التحصیلان بیکار شهر کرد و پشتیبانی از کاندیدای مورد نظر خود د انتخابات مجلس شورای ماسی اخراج کرده اند . * پرونده ۹ نفر از معلمان فارسان و ۳ نفر از معلمان فرخ شهر را که پیشترشان افرادی متعهد و دلسوزی بلشد برای سه اصلاح بررسی و تصفیه خواسته اند . * پرونده چند نفر از معلمان متعهد و مسئول بروجن را جهت به اصلاح بررسی و تصفیه خواسته اند . * د ر دانشسرای مقدیاتی د خترانه شهر کرد، چند نفر د از د اثر آموزان را خواسته اند و آنها را تهدید بد کرده اند که چنانچه د ست از مقامشان برند ارد اخراج می شوند . * د شهر کرد تعدادی از معلمان متعهد و مسئول را د ر کنار معدودن افراد وابسته به رژیم سابق برای به اصلاح مصاحبه احضار نموده اند احضار این معلمان بوسیله نامه غیر رسمی و بدون شماره ای که معلوم نیست از طرف اداره - آموز و پرور است یا مرجعی د بگرسورت گرفته است .	۱- قرائت پیام کانون مستقل معلمان چهار محال و بختیاری با عنوان ۱۲ اردیبهشت روز معلم را گرامی میداریم ۲- قرائت پیام کانون مستقل معلمان چهار محال و بختیاری بخر بروجن ۳- قرائت پیام کانون مستقل معلمان تهران ۴- قرائت قطعه شعری که یکی از دانش آموزان برای صد سروده بود توسط خودن ۵- سخنرانی با عنوانهای تاریخچه مبارزات معلمان لزوم تشکل معلمان چگونگی برخورد با معلمان د ر گذشته و حال گوشه هائی از فرهنگ استعماری برنامه از شرکت کنندگان دعوت شد از نمایشگاه عکس معلمان شهید و دانشجویان شهید حوادث اخیر د انشگاهها بازدید کنند .

۳۹	کانون مستقل معلمان چهارمحال و بختیاری
این ترتیب ازاد ایه کارنمایشگاه جلوگیری شد ولی این مثال برای همه بویژه دانش آموزان مطرح است که اصولاً این افراد چه کسانی هستند که از برگزاری نمایشگاه خود امپریالیستی میترسند و چه دستهایی در کار است که این عناصر ناآگاه را به چنین اعمال تفرقه افکنانه ای وامیدارد؟!	گزارشی از حمله به نمایشگاه ضد امپریالیستی از طرف دانش آموزان پیشگام مد رسه راهنمایی دخترانه در همدان شهرگرد یک نمایشگاه عکس کتاب و نوارهای محتوای ضد امپریالیستی برپا شد. این نمایشگاه که قبلاً اجازه بر
بقیه از صفحه ۲۶ ود رجعت ساختن مضامین تازه فراوانند مطالبی که قبل از فرخی در اشعار دیگران دیده نمیشود و این تازگی مخصوص فرخی است مثلاً این موضوع که همه یوسف راسمیل زیبایی میدانند و دلها را از او خون مینهند فرخی معشوقه را آنچنان نیکومیباید که دل یوسف را هم خون میکند. گریوسف من جلوه چنین خوب نماید خون در دل نوباهو یعقوب نماید یکی دیگر از هنر نمایشهای فرخی بدینگونه بود که بیشتر غزلیاتش قابلیت تبدیل شدن به سوودهای شورانگیز را داشت و حتی از ورسهای مخصوص در این زمینه استفاده کرده شمع را از آن من شوم فدا، گرچه میکند ز آتش جفا پس بسوز، دل گریه از وفا، بهر مرمت پروانه میکند.	پای آن ازاد ایه آموزش و پرورش گرفته شده بود، بنابراین در تاریخ ۵۹/۳/۲۴ بعد از یک هفته برقرار باشد. صبح سه شنبه ۵۹/۳/۲۷ و نفرکه خود را با مأموران کمیته معرفی میکردند به محل نمایشگاه مراجعه کرده، سوزا لاتی در زمینه های مختلف بخصوص در مورد اسامی مسئولان نمایشگاه میکنند که جوابی به آنها داده نمیشود، در ساعت ۱۲ همان روز تانکهای مد رسه تلخ میکنند و تهدید مینماید که اگر نمایشگاه تا دو ساعت دیگر برچیده نشود آنجا را به آتش خواهند کشید. بدینال این تهدید دانش آموزان به آقای علوی مسئول آموزش و پرورش مراجعه و کسب تکلیف میکنند که ایشان از خود طلب مسئولیت مینماید. حدود ساعت سه بعد از ظهر همان روز در حالی که نمایشگاه هنوز باز نشده بود و نفر سوار بر یک اتومبیل به مد رسه مراجعه میکنند و ایندو که خود را گاهی پاسدار و گاهی مأمور کمیته معرفی میکردند، در مورد نمایشگاه به تحریک وید گوئی میکنند و آنگاه بعد از باز شدن نمایشگاه بداخل آن هجوم آورده شروع به کندن عکسها و جمع آوری کتابها و نوارها و تهدید و فحاشی نسبت به دانش آموزان برگزارکننده نمایشگاه مینمایند. اما بحسب اعتراض بازدیدد کنندگان نمایشگاه موفق به بردن عکسها، کتابها و نوارها نمی شوند و سواراتومبیل خود شده از مد رسه خارج میشوند که بعداً معلوم میشود از آنجا به مرکز سپاه پاسداران رفته و چند دقیقه بعد آنجا را نیز ترک کرده اند.
امپریالیسم دشمن اصلی خلقها را به توده ها بشناسانیم	

پیامهای کانون

حمله به دانشگاه حمله به آزادیها و

دستاوردهای انقلاب است

مرجع و سرسپرده به امپریالیسم سنگ اندازی شده است و امروزه بهانه انقلاب فرهنگی و تغییر نظام آموزشی حقوق دموکراتیک و فعالیتها و صنایع - سیاسی دانشجویان را بصورتی و قبحانه مورد تهاجم و حمله قرار داده اند. چگونه میتوان با جواب و حجاب و برقرار ساختن و احداث دانشگاه و تعطیل اینها تغییرات بنیادین در نظام آموزشی ایجاد نمود؟ چگونه میتوان در غیاب دانشجویان و بدون توجه به خواستها و نیازهای فرهنگی دانشجویان و دانشگاهیان نظام آموزشی برای آنها تدوین کرد؟ چگونه میتوان با ایجاد تفرقه و - سرکوب کردن نیروهای مبارز و آگاه که مهمترین و بزرگترین مانع و سد راه نفوذ امپریالیسم هستند - در مبارزه با - امپریالیسم زد؟ آیا این ابراجان سازماندهندگان باند های سیاه نمیدانند که حمله به دانشگاه و کشتار بیرحمانه دانشجویان و سپردن ادعای مبارزه با امپریالیسم و فرهنگ استعمار ادعای پوچی است؟

آیا میتوان با دستگیری، تبعید و اخراج معلمان آگاه و مبارز و بستن مدارس در شهرها - مختلف به بهانه های واهی ادعای مبارزه با امپریالیسم کرد؟

کانون مستقل معلمان چهارمحال و بختیاری، ضمن اینکه خواستار یکساز محیطهای آموزشی و

درست در مرحله ای که مبارزه با امپریالیسم به اوج خود رسیده و میرود تا در مبارزات پیگیر ضد امپریالیستی خلقها و زحمتک و محروم مین به قطع تمام وابستگیهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نظامی با امپریالیسم جنایتکار بینجامد، به شکل سازمان یافته و با طرحی آماده شده از قبل چاقو کسان و محاربان با جواب و سنگ و تخته و اسلحه گرم به دانشگاهها حمله کرده و فرزند ان خلق قهرمان میهنمان را مجروح و مضروب و تعدادی را به شهادت می رسانند. این اولین بار نیست که به دانشگاه این سنگ را زدن و آزادگی حمله میشود بلکه در رژیم مغرور پهلوی، گارد مزد ورها و بارها و بارها به دانشگاه حمله کرده و دانشجویان حماسه ۱۶ آذر ها و ۱۳ آبانها ... آفریدند و با خون خود پرچم مبارزه را در دانشگاهها برافراشته نگه داشتند و از آزادیهایی صنایع سیاسی خود دفاع کردند. مرداد ماه سال پیش نیز شاهد یورش و حمله عوامل سرسپرده به امپریالیسم به د فاکتورهای سیاسی به متاور سرکوب نیروهای انقلابی و تضعیف جنبش ضد امپریالیستی خلقمان بودیم. تصفیه - دانشگاهها و تغییر نظام آموزشی متناسب با نیازهای اساسی جامعه ایران خواست پیگیر همه دانشجویان و دانشگاهیان و دیگر اقشار بوده و همواره از طرف این گروهها در جهت تحقق آن تأکید میشده است.

ولی در راه استقرار این خواست همواره از طرف عناصر

۱۱ اردیبهشت روز جهانی کارگر گرامی باد

یازدهم اردیبهشت سالروز جنبش انقلابی کارگران سراسر جهان است. کارگران جهان در چنین روزی با پیرو کردن تظاهرات و راهپیماییهای انقلابی روز خود را میسر چه باشکوه و جوشن میگیرند و پیچان و اتحاد خود را که همانا ادامه مبارزه علیه رژیم شاهانه امپریالیسم است یازدهم تکرار میکنند.

جناب نیرومند کارگری در حدود یک قرن پیش در آمریکا شکل گرفت. زیرا آنان یازدهم کی مسافت بار، کار روزانه بین ۱۰ تا ۱۵ ساعت در روز از حداقل امکانات زندگی محروم بودند و در نتیجه ۸ ساعت کار در روز را شعار خود قرار داده و در سرتاسر آمریکا تظاهرات گسترده ای پیدا کردند. بهیژه کارگران شیکاگو که یکو از موثرترین صنعتی آنروز آمریکا بود جنبه اوفانی علیه مبارزه خود دادند. اگرچه امپریالیسم آمریکا بدست پلیس ضد خلقی خود تظاهرات کارگران را باخاک و خون کسید و صدها نفر را کشت و در امر مبارزه زخمی و یازدهم است شدند و بسیاری از معلمان کارگران دستگیر شدند و دادگاههای فرمایشی محکوم باعدام شدند لیکن تاشوری که مبارزه کارگران آمریکائی در اذهان کارگران سراسر جهان بجا گذاشت نمایان توجه است. امپریالیسم آمریکا هرگز نتوانست خالیه این روز را از صفحه تاریخ بزداید. چه درست به سال بعد از این واقعه اولین کنفرانس جهانی جنبه انقلابی کارگران جهان تشکیل شد و بیانی مبارزات دلمیرانه کارگران شیکاگو را در اول ماه مه را روز جهانی کارگران نام نهاد. و از آن پس شاهد جنبشهای کارگری در دیگر نقاط جهان بوده ایم. کارگران زحمتکش ایران نیز از تاثیر این جنبه عالمی برخوردارند و حدود ۶۰ سال پیش روز جهانی کارگران را به ابتکار سورا مرکزی اتحادیه کارگران ایران هرچه باشکوه تر جشن گرفتند.

و تغییرات بنیادی در نظام آموزشی است معتقد است این تغییرات بنیادی در جهت رفع نیازهای فرهنگی جامعه ایران فقط توسط شوراهای واقعی معلمان و دانشجویان بود. انصار آموزش میتواند جامعه معطل برونشاند.

حمله وحشیانه به دانشگاهها و کشتار دانشجویان توسط گروههای مرتجع و پاندهای سپاه راجع گوم کرده و با قاطعیت تمام خواهان حفظ حریم دانشگاه رستگرمبارزه و آزادی می باشد.

ما از کلیه همکاران و دانش آموزان عزیز می خواهیم با حفظ وحدت و یکپارچگی خود بسیج و تشکیل هرچه محکمتر در راه تحقق فرهنگی انقلابی و سوسیال متناسب با نیازهای اساسی جامعه انقلابی ایران هر چه بیشتر بکوشند و ماهیت و چگونگی این قبیل حملات وحشیانه به دانشگاهها و هدف مشخص شده در آنرا برای مردم روشن کرده و در سه راه چون قبل به سنگری استوار و پرخرو — جهت مبارزه با امپریالیسم و فرهنگ استعماری تبدیل کنند.

هرچه مستحکمتر با وحدت نیروهای خلق علیه امپریالیسم و عواملس

هرچه بتوان ترساند مبارزات ضد امپریالیستی خلقهای میهنمان

کانون مستقل معلمان استان
چهارمحال و بختیاری

۴۲	معلم
کارگران یعنی نهادی که در جریان قیام و روز بزرگسار گلوله های وجود آمد می تواند ارد ستاورد های قیام محافظت کند و مبارزات ضد امپریالیستی و دموکراتیک بوده و هارامی بخشد و تلاش های مسئولین امروز برای وایسته راد به انحراف کشانیدن جنب ضد امپریالیستی کارگران و توده های زحمتکش را شدیدا محکوم میکند . گرامی باد یارد هم ارد بهیست روز جهانی کارگر	و باید یادی از ۱۱-۱۲ اردیبهشت علیه امپریالیسم انگلیس و سایر رگت آزاد و فعالینشان اتحادیه کارگری به جنب کارگر جهان پیوستند . بعد از کودتای ۲۸ مرداد و تسلط امپریالیسم امریکائی بر ایران حاکم برجستاده ارتش مبین مانعاکات به مبارزه ادامه دادند . چنانکه مبارزه کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران بخاطر مرزد ناچیز و اعتصاب برانندگان تاکسی و شرکت های اتوبوس رانی شهر معانیست گران شدن بنزین و اعتصاب کارگران جهان جهت تهران از اهمیت خاصی برخوردار بوده است کارگران ایران در جریان قیام نیز سهم بزرگی از مبارزات ضد دیکتاتور و ضد امپریالیستی توده های مردم را به دو خود حص نمودند . بویژه مبارزه قهرمانانه کارگران رگت نفت که با اعتصاب گسترده و مقاومت دلیرانه خود آخرین سربه های هلاکت را به پیکر رژیم وارد کردند و کنترل تولید و نفت و قطع صد و رآن به کشورهای امپریالیستی شکی نه مبارزه توده هارامحکم کردند . کارگران ایران بایستوانه . عسان مبارزه بی امان علیه رژیمهای ضد خلقی ، استاربا آگاهی بیشتری وارد مبارزه شدند . و در جریان مبارزات ضد امپریالیستی و دموکراتیک مردم به تسلیم شوراهای کارگری همت نمائند و پی از پیروزی قیام بهمن ماه کماکان بمبارزات خود ادامه دادند و با صدور اعلامیه های حداقل سه خواسته های خود ، و در رأس آنها تسلیم و تکمیل شرای کارگری را منتهی نمودند و علیرغم تلاش های مذبوحانه سرمایه داران فراری گشته بارگشته و یاد راختبار گرفتن مبارزات و ام سرنوشت نارگران را بدست گرفته و به طرق مختلف بمبارزات حق المایه کارگران و شوراهای کارگری به مبارزه برخاستند . کارگران همچنین برای حفظ شوراهای واقعی خود ، کسه یکم ارد ستاورد های مهم انقلابی آنان است شدیدا " مبارزه و باید ارب میکنند .
هرچه مستحکمتر باد پیوند کارگران و زحمتکشان مرکز امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکائی کانون مستقل معلمان چهار محال و بختیاری	کانون مستقل معلمان چهار محال و بختیاری ضمن ارج گذاری به روز بزرگسار و شهیدیت همه کارگران و زحمتکشان ، به یقین میداند که تنها شوراهای واقعی

۱۲ اردیبهشت روز معلم

گرامی باد

۱۲ اردیبهشت روز معلم یاد آوریک از روزهای درخشان مبارزات دلیرانه میهنان میباشد معلمان از آنجائیکه تاب تحمل انهمه ستم و نابرابری ، انهمه ظلم و جور ، انهمه اختناق و سانسور ، انهمه دیکتاتوری و شکنجه رانده اند و عامل تمام بد بختیهای خود راد رژیم وابسته به امپریالیسم پهلوی میدانست همراه کارگران ، دهقانان و سایر زحمتکشان بر علیه استبداد و امپریالیسم مبارزه کردند و در این راه معلمان همچون صمد ها ، بهروز دهقانی ها ، قائم امینی ها و . . . شهید دادند و پی از کودتای خائنانه ۲۸ مرداد و استقرار کامل سلطه امپریالیسم امریکائی بر میهنمان مبارزات مردم زیر بدترین و وحشیانه ترین حملات و سرکوب قرار گرفت و ولی اولی نگذشت که سعه های شرکت این مبارزات

دوباره زبانه کشید و از سالهای ۳۱ تا ۴۲ چهره تازه ای بخود گرفت .

۱۲ اردیبهشت سال ۱۳۴۰ معلمان تهران با بیان نمودن خواسته های برحقشان ، مانند سایر زحمتکشان وارد صحنه مبارزات شدند ، و در میدان بهارستان به میتینگ و تظاهرات پرداختند که چون همیشه آماج گلوله های ارتش ضد خلقی و وابسته پهلوی گردیدند و یکی از معلمان مبارزینام دکتر خاتمی در این روز شهادت رسید از آن روز به بعد در تاریخ مبارزات مردم ایران ۱۲ اردیبهشت بنام روز معلم نامگذاری گردیده است و علیرغم اختناق و خفقان و سانسور این روز به همین نام حفظ گردیده و مبارزات معلمان همچنان شکوفا گشت تا سرانجام در جریان انقلاب با مبارزات زحمتکشان میهنمان در آمیختود رقیام باشکوه بهمن ماه به اوج رسید معلمان در جریان قیام ، خواهان قلع کامل وابستگی های امپریالیستی بودند . آنان بدستی مطرح میکردند که رسیدن به چنین اهدافی ، ضرورتاً از طریق دموکراتیک کردن مناسبات درونی جامعه و یاسختن گویی به نیازهای سیاسی - صنفی و قشر و طبقه درون خلقی تأمین میشود . به همین دلیل هم معلمان خواستار تشکیل شوراهای واقعی آزادی بیان و قلم و عقیده ، طرد هر نوع دیکتاتوری و اختناق و تغییر عقاید ، محور گونه فرهنگ طبقاتی و استعماری و جایگزین کردن فرهنگ انقلابی و ضد امپریالیستی بجای آن جلوگیری از دخالت افراد غیر مسئول در ارگانهای ، تلفیق و گسترش مبارزات ضد امپریالیستی معلمان و دانش آموزان با سایر نیروهای در ارگانها خاص خود بوده و در زمینه مسائل رفاهی نیز خواستار تهیه مسکن در جهت رفاه معلمان - زحمتکش ، طرد نابرابریها ، محیطهای آموزشی ، ایجاد مهد کودک برای فرزندان معلمان بوده و میبایست شد . ولی با مرور کوتاهی بر روزنامه ها و نشریات ، از ازل سال تحصیلی جاری تاکنون میتوان دریافت که اعتراضات و اعتصابات معلمی دانش آموزی تا چه حد بالا گرفته است چرا ؟

برای اینکه بعد از قیام شاهد هستیم که اساساً با شوراهای و تشکلهای معلمی دانش آموزی از بار مسئولین مخالفت شده است و به اشکال مختلف از طرف آنها سعی شده که

هر گونه شکل آنها را خدمت به ضد انقلاب معرفی کنند ولی از آنجائیکه شوراهای واقعی خواسته توده های مضائق با با حرکت ضد امپریالیستی آنها میباشد ، مسئولین در مقابل شوراهای نشینی کرده و بجای آن شوراهای فرمایشی را ارجح برزی کردند که میبایست در عمل این شوراهای هیچگونه تصمیم گیری ندارند و فقط بلندگوی نواوات از بالا صادر شده میباشد . در مورد آزاد بهای دموکراتیک و ضد امپریالیستی چون آزادی بیان ، قلم و عقیده مسئولین امر به تنهایی برخورد داشته اند بلکه با تشکیل گروههای ناآگاه و تحریک آنها بر علیه معلمان و دانش آموزان پیرو که در دست درختی از مسائل داشته اند همواره سمت اصلی مبارزه بر علیه امپریالیسم را به گمراهی کشانیده اند ، باعث دستگیری ، اخراج ، تبعید ، بسیاری از معلمان مبارز و انقلابی و همچنین شهادت معلمان خوب و نداد ایمانی ها ، مصطفی طاهانی ، سعید میرشکارها ، گرجی بهائی ها ، رشید کهنه میوه ها ، ... گردیده اند . از سوی دیگر با عدم تمهید و تدوین کتب درسی کینه توزانه با هر نوع تکرر علمی و در محتوی و اسلوبهای آموزش و پرورش برخورد کرده اند .

مسئله مسکن نیز که بانحوه معیشت معلمان ، ارتباطی جدائی ناپذیر دارد همه آنان لایحل مانده است

و مسئولین نه تنها گامی در جهت حل این مسئله برنداشته اند بلکه با موضع گیری غیر اصولی در مقابل خواست مطلق معلمان ، مسئله را در چندان مشکل نموده اند ، وضعیت معلمین پس از قیام کلاً نشان میدهد که به هیچیت از خواسته های صنفی - سیاسی آنها پاسخ داده نشده ، و برای اسان معلمان موافقت برای گسترش مبارزات دموکراتیک و ضد امپریالیستی و تحقق خواسته های صنفی سیاسی خود متعطل شده و بسوی فردائی روشن گام بردارند .

درود به همه شهدای بخون خفته خدای

مرجه گسترده تریاد پیوند توده های مردم علیه امپریالیسم

و وابستگی

پس بسوی تشکیل اتحادیه سراسری معلمان

کانون مستقل معلمان چهار محال و بختیاری

۵۹/۹/۱۲

۴۴	معلم	
		
معلم شهید علی اصغریدیع زادگان : معلم شهید علی اصغریدیع زادگان در سال ۱۳۱۹ در اصفهان متولد شد دوره دبیرستان را در تهران گذراند و در دانشکده فنی در رشته شیمی به تحصیل پرداخت در سال ۱۳۴۲ پس از اتمام آزمایش نظام وظیفه ۹ ماه مأموریت را در کارخانه اسلحه سازی میگذراند و بعد از آنجا استخدام شد او امید بود که در مبارزه مردم ایران باید هم بماند اصلی خود و تفنگ را که از دوره ستارخان و میرزا کوچک خان بر زمین مانده است دوباره بردارد و با شیوه نوبه میان آورد . بعد از آنجا دوستان دیگر هسته اولیه یک سازمان را شکل دادند پس از آن اصغر از شغل خود دست کشید و در دانشکده فنی بعنوان استاد یار شیمی بکار پرداخت . در سال ۱۳۴۹ "ظاهرا" به اسم تحصیل به فرانسه رفت ولی در فلسطین تعلیمات نظامی میدید سپس با مقداری سلاح به ایران بازگشت و همراه سایر دوستان به مبارزات ادامه داد تا زمانی که به دنبال کوشش برای ربودن یک اوجیه های دربار یعنی سهرام دستگیر و پس از تحمل شکنجه ها فراوان شهید شد . " یادش گرامی باد "	معلم شهید بهروز هقانی : معلم شهید بهروز هقانی فرزند یک خانواده فقیر کارگری بود . او که عشق شدیدی نسبت به خلق ستودیده در قلب جوانی حس می کرد با شور و علاقه به آموزش کودکان روستائی پرداخت . او هیچ زمانی خود را جلد از مردم نمی دانست و ارتباط تنگاتنگ او را با مردم میتوان با مطالعه آثارش مشاهده نمود . او انقلاب را راه حلی توده ها از قهرها و اسارت و بندگی میدانست و به مامیاموخت کشته چگونه باید این راه را تا آخر و با استواری بهیمایم بهروز هقانی در اردیبهشت ۱۳۵۰ دستگیر شد و پس از تحمل یازده روز شکنجه ترین شکنجه ها و آنکه کلمه ای از اسرار مبارزین بر زبان آورد به ست مزدوران رژیم شهید شد . " یادش گرامی باد " ماه به بند کشید پس از آزادی به مدت کوتاهی زندگی مخفی اختیار نمود اما چون این زندگی موافق طبع او نبود تصمیم به مهاجرت گرفت و در ۲ اردیبهشت سال ۵۹ عازم اروپا شد . شهادت او در ۲۹ خرداد ماه ۵۹ اتفاق افتاد . " یادش گرامی باد "	معلم شهید دکتر علی شریعتی : معلم شهید دکتر علی شریعتی در دوم اردیبهشت سال ۱۳۱۲ در دهکده مزینان واقع در کنار کویر اتوایع سیزوار در خانواده متوسطی بدنیآمد پس از اتمام اعتمای متوسطی بعد از پنج سال در دهکده اطر مشهد به آموزگاری پرداخت در مبارزات میهنی مصدق همراه پدرش شرکت فعالی داشت او نمیتوانست مسئولیت ملی و اسلامی خود را فراموش کند و تنگ تسلیم در مقابل استعمار و استبداد را بخود بیذیرد . پس از تحمل هشت ماه زندان به دلیل شاگرد اول بودن به فرانسه اعزام شد و در رشته تاریخ و جامعه شناسی مذهبی مشغول به تحصیل گشت و در سال ۱۳۴۳ بعد از اخذ دکترا در هر دو رشته هنگام بازگشت به ایران در مبارزات مرز ایران و ترکیه توقیف و پس از چند ماه زندان آزاد شد و در دانشگاه مشهد به عنوان استاد یار مشغول تدریس گردید از سال ۵۰ تا ۵۱ در حسینه ارشاد و دیگر محافل دانشگاهی و روشنفکری به سخنرانی پرداخت در سال ۵۰ مزدوران رژیم حسینه ارشاد را بستند اما او همچنان بانگ آثر خود را آگاه کردن مردم خود کوشید . سرانجام رژیم متغور پهلوی او را بعد از ۱۸



خاطره شهدای قیام ۱۵ خرداد را گرامی می‌داریم



مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا